

کارگر امروز

نشریهٔ انترناسیونالیستی کارگری
WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol. 1, No. 7, November 1990

سال اول، شماره ۷، آبان ۱۳۶۹

گسترش همبستگی بین‌المللی با جنبش کارگری ایران

نشریه بزرگترین اتحادیه کارگران انگلستان :

قانون کار اخیر ایران

حقوق کارگران را محدود می‌کند

تصویب رسیده است. از دیگر سو اعتراض علیه این قانون توسط کارگران سایر کشورها گسترش می‌یابد. از جمله در انگلستان و آمریکا تعدادی از رهبران، روزنامه‌ها و اتحادیه‌های کارگری قانون کار جمهوری اسلامی را محکوم کرده‌اند. صفحه ۴

مرکز خبری کارگر امروز: لایحه کار جمهوری اسلامی آخرین مراحل تصویب را از سر می‌گذراند. به گزارش روزنامه‌های ایران بیش از دو سوم مواد این لایحه توسط شورای تشخیص مصلحت، بالاترین مرجع قانونگذاری و حل اختلافات رژیم، به

کارگران کارخانه ایران فریز:

ما با شورای اسلامی

کاری نداریم، آنهم با ما کاری ندارد

● روزانه ۲۰۰ تومان میگیریم که حتی اگر اضافه کاری هم بکنیم

کفاف خرجمان را نمی‌دهد

می‌کرده است. این کارخانه ۲۲۵ کارگر دارد که رسماً در یک شیفت کار می‌کنند. اما برخی کارگاههای آن بصورت اضافه کار عصرها نیز کار می‌کنند. نشریه "کار و کارگر" چاپ تهران، در گفتگو با کارگران این کارخانه گزارشی تهیه کرده است که بخشهایی از آنرا می‌خوانید. صفحه ۴

کارخانه فریز ایران در سال ۲۱ بکمک جنرال الکتریک آمریکا تأسیس شد و تولید آن از ۱۰ هزار یخچال در سال به بیش از ۹۰ هزار در سال ۵۸ افزایش یافت. طی سالهای اخیر و با کمبود ارز تولید کاهش یافت و اکنون در مرز ۵۰ هزار قرار دارد. این شرکت علاوه بر یخچال و فریزر، آب سردکن و کولر گازی هم تولید

مشیریان مدیرکل سازمانهای کارگری و کارفرمائی:

شوراهای اسلامی تنهادر

یک چهارم کارگاهها تشکیل شده است

گذشته در گفتگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی اذعان داشت که شورای اسلامی تنها در حدود ۱۴۰۰ واحد از بیش از ۵ هزار واحد تولیدی مشمول قانون تشکلی تشکیل شود. وی علت تشکیل نشدن شوراهای اسلامی را "فقدان نیروی انسانی" و "نداشتن بودجه مستقل" ذکر کرد. "فقدان نیروی" صفحه ۲

انجمن‌های صنفی بجای سندیکاهای قبلی کارگران اصناف تشکیل می‌شود

مرکز خبری کارگر امروز: مشیریان مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمائی وزارت کار در مهربان

ژوزه آلوار یکی از مسئولین سندیکای کارگران ساختمانی

فرانسه در گفتگو با کارگر امروز:

بناپدید شدن مجتمع‌های بزرگ صنعتی،

غناي سندیکا هم ناپدید می‌گردد

● منشور اجتماعی اروپای واحد برای کارگران

پرتقال، اسپانیا و یونان گامی به جلو است

● مساله راسیسم در اروپا خیلی جدی شده است

● امروز هیچ کارگاهی وجود ندارد که از کار سیاه استفاده نکند

صفحه ۸

اتحادیه‌های کارگری در اعتراض به اعدام جمال چراغ ویسی

کارگری دیگر نیز در سطح فابریکی و یا سراسری وجود ندارد. علیرغم اینکه اعتصاب در ایران عملی غیر قانونی محسوب می‌شود و توسط ارگانهای دولتی جمهوری اسلامی ایران وحشیانه با آن مقابله می‌شود، فقط در نیمه دوم سال ۸۹ و نیمه اول سال ۹۰ به طویل شرایط و اوضاع مصیبت بار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در ایران اعتصابات در ایباد ۲۰۰ هزار روز کار صورت گرفته است. صفحه ۲

اتریش است طی نامه‌ای به سفیر جمهوری اسلامی در اتریش و همچنین انتشار یک بیانیه مطبوعاتی با عنوان "اتحادیه سراسری کارگران اتریش علیه اعدام فعالین اتحادیه‌ای در ایران" اعتراض می‌کند. اعتراض شدید خود را علیه اعدام و سرکوب فعالین اتحادیه‌ای در ایران اعلام داشت. در این اطلاعیه مطبوعاتی ضمن اعتراض به فقدان حقوق کارگری در ایران از جمله آمده است: "در ایران تشکیل اتحادیه مجاز نیست و هیچ نوع شکل

مرکز خبری کارگر امروز: در پی تماسها و اقدامات فعالین حزب کمونیست ایران، اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای چپ در اتریش و فنلاند اعدام فعالین کارگری در ایران را محکوم کردند و از حق تشکل و اعتصاب و سایر حقوق کارگران ایران به دفاع برخاستند. از جمله در ۱۸ سپتامبر سال جاری اتحادیه سراسری کارگران اتریش "او.جی.بی" که یک میلیون و ششصد هزار عضو دارد و دربرگیرنده بیش از ۶ درصد کارگران

مارتی روزن بلات فعال سرشناس جنبش کارگری فلسطین

در گفتگو با کارگر امروز:

اوضاع کارگر فلسطینی در اسرائیل

شبیه کارگران سیاه در آفریقای جنوبی است

صفحه ۷



انجمن‌های اسلامی

به ارگانهای مستقیم

وزارت کار

تبدیل می‌شوند

مرکز خبری کارگر امروز: کمالی وزیر کار جمهوری اسلامی در شهریور ماه امسال اعلام کرد که مجمع تشخیص مصلحت نظام، بالاترین مرجع قانون گذاری و رفع اختلافات درونی رژیم که در حال تصویب قانون کار است، وظایف جدیدی برای انجمنهای اسلامی در کارخانه مقرر کرده است. وی گفت انجمنهای اسلامی نه بعنوان حزب یا گروه سیاسی بلکه بعنوان واحدهای تابعه وزارت کار و تحت ارشاد سازمان تبلیغات اسلامی در کارخانهها به فعالیت ادامه خواهند داد. صفحه ۲

اتحادیه، بحران دهه نود؟

مقدمتا خود را بدینگونه به رهبران "ال.او" نشان می‌دهد. "هورست هارت"، جامعه شناسی که مامور مطالعه عوامل بحران و راههای جلوگیری از آن شده و ۵۰۰ کلوب، واحد محلی اتحادیه، را تحت پوشش تحقیقاتی خود دارد، می‌گوید: از دفتر مرکزی "ال.او" تا صحن کارخانه فاصله‌ای بسیار وجود دارد... کلوبها و "ال.او" به دو زبان متفاوت سخن می‌گویند و الویت‌های گوناگونی دارند. صفحه ۶

"اتحادیه، بحران دهه نود؟" عنوان سلسله مقالاتی است که ارگان هفتگی "ال.او"، اتحادیه سراسری کارگران سوئد، طی آن به بررسی بحرانی که اکنون "ال.او" به آن دچار شده است، می‌پردازد. "ال.او"، این افتخار را داشته است که همه گیرترین اتحادیه جهان باشد، تشکل نزدیک به ۹۸ درصد کارگران شاغل. ولی این اتحادیه اکنون بسرعت اعضای خود را از دست می‌دهد. و بحران،

اوکه ویکلوند یکی از رهبران حزب آرتبارلیستان سوئد

در گفتگو با کارگر امروز:

سوسیالیسم و سوسیالیستها نمرده‌اند

● مادر پی ساختن اتحادیه تازه‌ای

نبوده‌ایم. اما تغییر "ال.او" لازم است

● در جنبش کارگری باید با یک زبان

مشترک سخن بگوییم

صفحه ۹

اتحادیه‌های کارگری گروه صنعتی فولکس واگن در سه کشور متحد شده‌اند تا یک شورای بنگامی اروپائی، که آکسیونهای کارگران را در اسپانیا، بلژیک و آلمان فدرال هماهنگ خواهد کرد، تشکیل دهند.

این شورا ۲۰۰ هزار کارگر را از "سیت"، "فولکس واگن" و "اودی" در این سه کشور، که عمده‌ترین بخش تولید کمپانی فولکس در اروپا در آنها متمرکز است، نمایندگی می‌کند و برای اقدامات مشترک اتحادیه‌ای و جلوگیری از تقابل و رویارویی کارگران شاغل در گروه صنعتی فولکس ایجاد شده است.

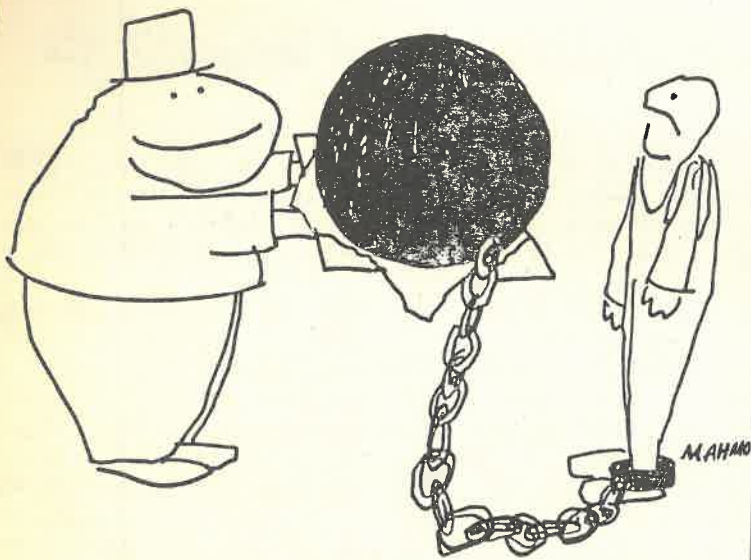
شورا مجموعاً ۱۷ عضو دارد که ۸ نفر از فولکس واگن، ۲ نفر از "اودی" ۵ نفر از "سیت" و ۲ نفر از شرکت فولکس در بلژیک در آن شرکت دارند. صفحه ۶

کارگران زن کارخانه چیت ری :

حقوق ما خیلی کم است ساعت کار ما زیاد است

از صدای این دستگاهها اعصابمان خرد شده است

در قانون کار از نظر ساعت کار و حقوق باید امتیازاتی به زنان بدهند



۱۸ نفر از کارگران کارخانه پارس الکتریک بابت رعایت انضباط و نوازی بیشتر بعنوان کارگر نمونه انتخاب شدند و جایزه دریافت کردند.

اعتصاب کارگران کارخانه

بارسیلون برای افزایش دستمزد

مرکز خبری کارگر امروز: دسته جمعی به طرف در کارخانه براه افتادند و مدیریت و عوامل انجمن اسلامی که تهدید به اخراج را در برابر عکس العمل متحد کارگران بی تاثیر دیدند ناچار از عقب نشینی شدند و مدیر "قول شرف" داد که در صورت خاتمه اعتصاب دستمزدها را اضافه خواهد کرد.

بنا به این گزارش کارگران کارخانه بارسیلون تصمیم گرفتند به اعتصاب خاتمه دهند و منتظر اجرای وعده مدیریت شوند.

در جریان این اعتصاب انجمن اسلامی و عناصر اعتصاب شکن کوشیدند به تولید ادامه دهند اما کارگران اعتصابی نهای تولید شده را تحت کنترل در آوردند و از تحویل آنها به انبار خودداری کردند.

۱۴ سال است زحمت می کشم. شوهرم نمی توانست کار کند، مجبور شدم آدمم سر کار. ۸ سر عاقله دارم، ۶ تا دختر و ۲ تا پسر. الان بچهها چکار می کنند؟

چ - یکی از پسرها تاجر و یکی تراشکار است.

س - چه جوری کارهایتان را هماهنگ می کنید، هم به کارهایی که اینجا دارید می رسید و هم به کارهای خانه؟

چ - دو تا دختر بزرگ تو خانه دارم. همه کارهای خانه را این دو تا دخترم می کنند. کارهای بیرون، مثل بازار و دکان رفتن را خودم انجام می دهم. کوبین گرفتن و اینها هم با خودم است.

س - در روز چند ساعت کار می کنید؟

چ - اول که آمدیم کارخانه ۱۲ ساعت کار می کردیم، شیفی بودیم، شب ۱۲ ساعت و روز هم ۱۲ ساعت. حالا ۸ ساعت باید کار کنیم. از ۶ صبح می آیم تا ۲ بعد از ظهر، یا ۲ بعد از ظهر تا ۱۰ شب.

س - از کارتان رضی هستید؟

چ - کارمان سخت است.

س - از چه نظر سخت است؟

چ - سر دستگاهیم. باید خودمان هم سیاری کنیم، هم ردیف کنیم. قدیم دوره طاغوت دو طرف ماشین داشتیم با سیاری، حالا سه طرف ماشین به ما داده اند با سیاری. هر چند تا ماشین تو این قسمت هست باید سیاری کنیم و ردیف کنیم.

س - فکر می کنید چه ناراحتی هایی در اثر این کار گرفته اید؟

چ - استخوان درد، پاهایم درد می کند، کمرم درد می کند.

س - شما سواد هم دارید؟

چ - نخیر هیچ ندارم.

س - شرکت که کلاس گذاشته است.

چ - بخاطر کارم من نمی توانم بروم. گفتند نمی شود بروی. چون تو سر ماشین و دستگاهی نمی توانی بروی.

بحث درباره تشکلهای کارگری در ایران

Frejgatan 62
113 31 Stockholm
Odenplan S:t Eriksplan

۱۷ نوامبر ساعت ۱۴،۳۰
خانه کتاب استکلهم

برگزاری جلسات کارگری

خانه کتاب، مرکز ادبیات کارگری - سوسیالیستی جلسات حول مسائل جنبش کارگری ایران بطور روتین برگزار می کند. علاقه مندان به شرکت در این جلسات می توانند با شماره تلفن خانه کتاب تماس بگیرند و از زمان و موضوع جلسات مطلع گردند.

تشکیل کلاسهای آموزشی

خانه کتاب اقدام به تشکیل کلاسهایی برای فراگیری کامپیوتر، تایپ فارسی، آئین نامه رانندگی و گیتار کرده است. برای ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر می توانید با شماره تلفن خانه کتاب تماس بگیرید و یا به آدرس زیر مراجعه کنید.

Frejgatan 62
113 31 Stockholm
Tel: (08)300195

کارگر امروز: می توانید مراکز زیر دریافت کنید:

1387 Westwood Blvd.
Los Angeles, CA 90024
Tel: (213)477-7-477

آمریکا

Wagram
Ch. de Gabelle-Etoile
Paris

فرانسه

Collets International
129-131 Charing Cross Road
London WC2H 0EQ

انگلستان

George V
99 Ave Champs-Elysees
Paris

Karl Winter OHG
Buchhandlung
Landesgerichts str. 20

Karlsplatz
Passage Lokal 14

U2 Station
Mariahilfer str.
Zeitschriftenladen

Flohmarkt:
Jeden Samstag

Heinrich-Heine
Buchhandlung
Schlüter str. 1
2000 Hamburg 13

آلمان

Buchladen
Oster str. 156
2000 Hamburg 20

Das Arabische Buch
Buchhandlung
Knesebeck str. 16
D-1000 Berlin 12
Tel: 030-3138021

فرم آبونمان

Subscription Form

مایلم نشریه کارگر امروز را مشترک شوم.

I would like to subscribe to Worker Today for a Period of
شش ماهه Six months One Year یکساله

لطفا نشریه و صورت حساب را به آدرس زیر برایم ارسال کنید:
Please send my Worker Today and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution _____

Address _____

Postcode _____ City _____ Country _____

فرم پر شده را به آدرس کارگر امروز (صفحه مقابل) ارسال کنید.
Send the filled form to WT address (opposite page).

توجه! مشترکین نشریه در آمریکا و کانادا جهت دریافت کارگر امروز با آدرس زیر تماس بگیرید.

NOTE! In USA and Canada send to:

W.T.
P.O.Box 241412
L.A., CA 90024
USA

کارگران امروز

کارگران کارخانه ایران فریز:

سینه‌های ما کارگران

مثل این دیوارها از دود سیاه شده است

و مشکلات موجود و تورم، از کارم راضی نیستیم. بطوریکه حقوق من بعد از ۲۰ سال کار و زحمت ۲۷۰ تومان در روز است. ۸ سر عائله و ۵ بچه مدرسه‌ای دارم، پیش آنها سرافکنده‌ام.

یکی دیگر از کارگران، من با دو فرزند و ماهی سه هزار تومان اجاره خانه و شش هزار تومان دستمزد چگونه می‌توانم زندگی کنم. ما انتظار داریم حقایق را بگوئید. چهار سال پیش پخچال ۳۰۰۰ تومان بود و الان شده ۱۷ هزار تومان پس چرا حقوق مرا به همین اندازه اضافه نمی‌کنند؟ دولت تصویب می‌کند که ۶۰ تومان به حقوق من اضافه شود اما از آن طرف صاحبخانه ۵۰۰ تومان اجاره را بالا می‌برد.

یکی از کارگران: صدای دستگاهها

آزاد چشمه خاور با ۱۲ سال سابقه کار: حقوق من با اجرای طبقه بندی مشاغل به ۲۳۴ تومان در روز می‌رسد. البته از طرح رضایت کافی ندارم.

حسینقلی برجی: با ۱۲ سال سابقه کار و ۷ سر عائله روزی ۲۰۰ تومان می‌گیرم. حتی اگر اضافه کاری هم بکنم باز این حقوق تکافوی زندگی مرا نمی‌کند. وقتی بچه‌هایم می‌گویند چی خریدی؟ من خجالت می‌کشم.

مرتضی شفیعی کارگر پرس: بنده ۱۱ سال سابقه کار و چهار فرزند دارم. حقوقم ۲۴۰ تومان در روز است. از حقوقم راضی نیستم. تازه من اجاره نشین هم نیستم.

محمد خندستانی کارگر قسمت باادارل: بدلیل سختی کار و کمی حقوق

دستورالعمل‌هایی در کارخانه ابلاغ می‌شود.

میرعباد ستارزاده کارگر قسمت پلاستیک در پاسخ به این سوال که آیا کارگران هم مسائلشان را با شورای اسلامی در میان می‌گذارند: نخیر! ما با شورا کاری نداریم و شورا هم با ما کاری ندارد. اکنون دوره دوم فعالیت شورا است و ما هم در انتخابات شرکت کردیم ولی (این) شوراها توانایی کار کردن ندارند.

یکی دیگر از کارگران: ۱۱ سال از انقلاب می‌گذرد و یکبار نشد که از وزارت کار مراجعه بکنند و به مشکلات کارگران رسیدگی کنند. وقت انتخابات دم از مستضعفین می‌زنند ولی وقتی انتخاب شدند همه چیز یادشان می‌رود. من سوالی دارم که آیا خود کارگران باید نماینده‌اشان در کارخانه را انتخاب کنند یا وزارت کار؟ در این شرکت ۴۰۰ کارگر مشغول بکارند که ۹۰ نفر رای دادند و نمایندگان گفتند که ما از طرف اداره کار انتخاب شده‌ایم. ما از وزارت کار می‌خواهیم که هر موضوعی را که تصویب می‌کند به اطلاع کارگران برساند. ما نمی‌دانیم مسئول واقعی کیست تا ما حرف‌هایمان را بزنیم!

قرص گشته‌ام و نبود. بیمارستانها هم پارتی می‌خواهد.

یکی دیگر از کارگران: دفترچه بیمه بدرد نمی‌خورد. چند روز بجهام مریض شد. او را به ساختمان پزشکان اکیاتان بردیم، دفترچه را دادیم قبول نکردند و گفتند که باید ۱۲۰ تومان ویزیت بدهی. یعنی دکتر دستمزد یک روز من کارگر را فقط در یک دقیقه خورد! دارو هم در داروخانه‌ها پیدا نمی‌شود اما در ناصرخسرو پیدا می‌شود ولی به ده برابر قیمت! یکسال پیش ۱۷ روز مریض داشتم که پس از بهبودی، بیمه به من فقط ۲۵۰ تومان بابت مزد دوره بیماری پرداخت کرد! آخر باید این مبلغ را بدهند؟ ما به این نتیجه رسیده‌ایم که دیگر حرف زدن فایده‌ای ندارد.

وطن چی مدیر عامل کارخانه: رابطه غنی و تنگاتنگی با عزیزان شورا داریم. بعنوان مدیر عامل نماینده‌ای در شورا ندارم. خودم شخصا در جلسات آن شرکت می‌کنم. برادران شورای اسلامی هم گاها بصورت دسته جمعی در جلسات هیات مدیره شرکت می‌کنند. برای پیشبرد تولید و سایر مسائل هر هفته جلساتی با برادران شورا داریم و نتیجه بصورت

بسیار زیاد است و ما گوشی نداریم.

یک کارگر دیگر: من با تینر سروکار دارم. زمستانها بخاطر دود بخاری کار کردن که هیچ، نفس کشیدن هم مشکل است.

حمدالله جلوداری با ۲۱ سال سابقه کار: اکنون سینه‌های ما کارگران مثل این دیوارهای سالن دود گرفته و سیاه شده است. هفته‌ای یکبار بیا شیر می‌دهند که کافی نیست.

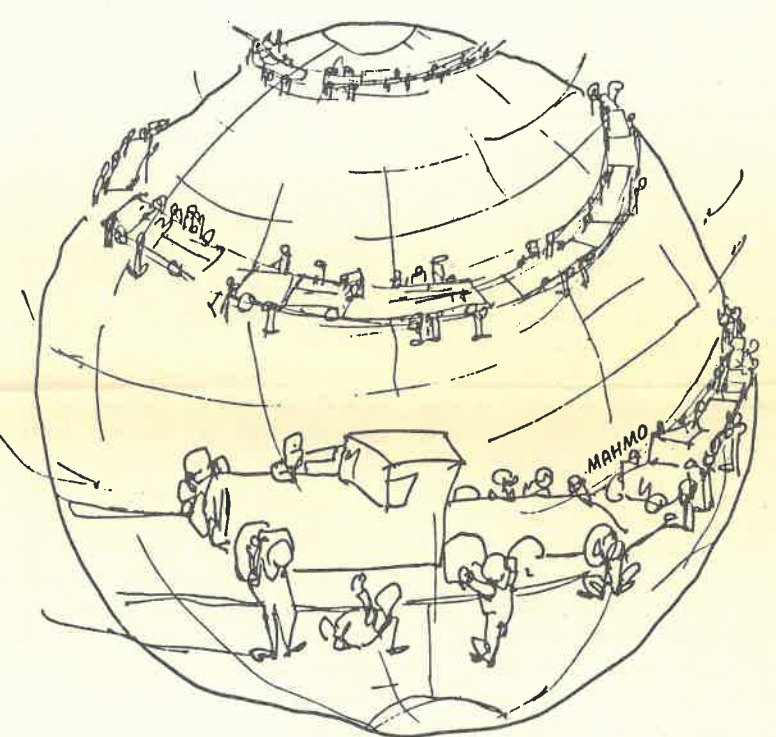
ولی‌الله صفدری با ۲۴ سال سابقه پرداخت بیمه و ۵۷ سال سن؛ من اجناسی را که با آسانسور به طبقه بالا می‌آید با دست جابجا می‌کنم. کار سختی است. ولی با این حال ناچارم که کار کنم چرا اگر که بازنشست شوم با سه هزار تومان حقوق نمی‌توانم زندگی‌ام را اداره کنم.

یکی دیگر از کارگران: با این دود و صداهای گوشخراش و براده‌های آهن که در محیط کار هست کسی نمی‌تواند بیش از ۲۰ سال دوام آورد و خواهان اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد است.

یک کارگر دیگر: بدلیل کم بودن حقوق بازنشستگی کسی خواهان بازنشستگی نیست.

یکی از کارگران: بیمه هستم ولی در حال حاضر همه جا را دنبال یک

دستم دو تا سه برابر دستمزد ماهانه همکاران آنها در ایران است. همه مخارج از خوراک و پوشاک و کرایه خانه گرفته تا دوا و دکتر و



خط تولید همکاران کارگران ولوو در ایران با همین شش هزار تومان باید از پس

تا آنجا که به کارگران ایران کاوه برمی‌گردد، آنها باید مقدماتی برای همان حقوق و شرایطی بچینند که برای مثال کارگران ولوو آنرا بدست آورده‌اند. اما این کاری نیست که بشود همین امروز از پس آن برآمد. اما سوال اینست که آیا کارگران ولوو از وضعیت همکارانشان در ایران مطلعند. آیا کارگران ولوو می‌دانند که اگر هم اکنون کارگران ایران کاوه برای خواسته‌های دست به اعتصاب بزنند، با مامورانی که مستقیماً از زندان اوین اعزام شده‌اند، روبرو خواهند شد. آیا کارگران ولوو می‌دانند که کارگران ایران کاوه نمی‌توانند شکل مستقل خود را داشته باشند. آیا آنها می‌دانند که بیش از نه سال است که رژیم اسلامی با یک هجوم وحشیانه و تمام عیار و با کشتارهای بی‌مانند، شوراهای کارگری در ایران را برچید و بسیاری از رهبران شوراها و فعالین کارگری را دستگیر، شکنجه و اعدام کرد.

همکاران کارگران ولوو در ایران با چند سال سابقه کار بطور متوسط ماهانه فقط شش هزار تومان، حدود ۴۵ دلار (۳۰۰ کرون سوئد) در بازار آزاد، دستمزد می‌گیرند. این تازه دو برابر حداقل دستمزد رسمی است! در همین حال اجاره یک آپارتمان در تهران، شبیه آنچه که کارگران ولوو از آن برخوردارند،

به کارگران ولوو

مصطفی صابری

در اواخر شهریورماه امسال، روزنامه‌های ایران خبر راه‌اندازی خط تولید کامیون مدل اف ۱۲ ولوو را در شرکت ایران کاوه در نزدیکی تهران، منتشر کردند. نژاد حسینیان وزیر صنایع سنگین در مراسم بازگشایی خط تولید این کارخانه از جمله گفت: امکان صدور کامیونهای ولوو نیز وجود دارد.

تقریباً همزمان با راه‌اندازی خط تولید کامیون ولوو در ایران، شرکت ولوو قصد خود را مبنی بر بیکار کردن ۵ هزار کارگر در سوئد و آمریکا اعلام کرد. در ایران کارگر بسیار ارزانی وجود دارد که زیر فشار عواقب سالها جنگ و دوازده سال حکومت ضد کارگری حاکم حقوق و مزایایی بسیار کمتر از آنچه که کارگران در سوئد و آمریکا دارند، می‌گیرد.

سرمایه و خط تولید یک واقعیت جهانی است و هیچ کارگری نمی‌تواند نسبت به شرایط و زندگی و سرنوشت کارگر آنطرف خط بی تفاوت باشد. همبستگی و اتحاد جهانی در دنیای امروز برای کارگر حکم نان شب را دارد.

آیا کارگران ولوو می‌دانند که کارگران ایران ده سال پیش به قدرت خودشان چهل ساعت کار در هفته را به اجرا در آورده بودند و اتفاقاً کارگران صنایع اتومبیل سازی ایران جزو پیشتازان این مبارزه بودند، اما رژیم اسلامی با اقداماتی وحشیانه علیه کارگران و علیه کل جامعه این دستاورد و دستاوردهای دیگر را پس گرفت و اکنون کارگران ایران مجبورند، رسماً ۴۴ ساعت کار در هفته، و در واقع با تحمل اضافه کاریهای طولانی برای جبران کمبود دستمزد، ۵۰ تا ۶۰ ساعت در هفته کار کنند؟

بسیار از این دست می‌توان گفت اما برای اینکه نتیجه گرفت کارگران ایران اکنون احتیاج بسیار مبرمی به حمایت و همبستگی دارند، همینقدر کافیت.

بی تردید کارگران ولوو که سابقه طولانی از مبارزه متشکل را پشت سر دارند و توانسته‌اند بسیاری از حقوق خود را بدست آورند می‌توانند پشتیبان قدرتمندی برای کارگران ایران که برای همان حقوق مبارزه می‌کنند باشند. همبستگی با کارگران کشورهای نظیر ایران و کمک واقعی و موثر به آنها برای بدست آوردن حقوقشان فقط یک وظیفه انترناسیونالیستی بطور کلی نیست، بلکه یک نیاز ملموس و بسیار عاجل هم هست.

(بخش ششم، تشکلهای کارگری و کارفرمایی، ماده ۱۳۱)

سرکوب و اختناق گذشته از موارد بالا، پیش نویس قانون کار، حق اعتصاب - حقی را که در جریان قیام ۱۹۷۹ بدست آمده و توسط کارگران بکار برده شده بود - را برسمیت نمی‌شناسد، و این دست دولت را در خفه کردن صدای اعتراض و سرکوب اعتصاب کارگران باز گذاشته است.

در زمانی که ۳۵ ساعت کار در هفته با اقبال هرچه بیشتری در اروپا روبرو می‌شود، و تازه بعد از ده سال که کارگران ۴۰ ساعت کار را در ایران به اجرا گذاشته بودند، پیش نویس چهارم، چهل و چهار ساعت و شش روز کار در هفته را برسمیت شناخته است!

در زمانی که مطابق آمار رسمی دولت سالانه حدود ۲۰ هزار کارگر در اثر حوادث کار مصدوم می‌شوند، ۵۰۰ نفر بواسطه محیط ناامن کار جان خود را از دست می‌دهند، چهارمین قانون کار بخشی تحت عنوان ایمنی و بهداشت کار دارد که از روابط صاحبان کار و بازرسان صحبت می‌کند، اما وقتی مسئله شرایط کار پیش می‌آید، این نهاد (بازرسی کار) وظیفه خود را صرفاً به ثبت آمار سوانح محدود می‌کند.

سرمایه و حق مالکیت شخصی اعلام کرده و بر این اساس این مبارزات را علیه اسلام و دولت تلقی کرده و متجاوزین به این حقوق را به مجازات رسانده است.

اعتراضات توده‌ای در سالهای ۱۹۸۳-۱۹۸۲ اعتراض علیه پیش نویس قانون کار اول با جمع کردن طومار، با مراجعه و اعتراض در برابر ادارات دولتی و در محیطهای کار و اعتراضات مستقیم نظیر کم کاری و توقف تولید صورت گرفت. کارگران موفق شدند که دولت را مجبور از پس گرفتن پیش نویس قانون کار کنند.

از انتشار پیش نویس اول تا حالا، قانون کار یک عرصه مبارزه بین جمهوری اسلامی و جنبش طبقه کارگر ایران گردیده است. تا اکنون چهار پیش نویس تدوین شده است که همگی توسط کارگران رد شده‌اند. آخرین پیش نویس از طرف شوراهای اسلامی و خانه کارگر وابسته به دولت مورد استقبال و تبلیغ قرار گرفته است.

پیش نویس اخیر صرفاً امتیازات ناچیزی برای کارگران قائل شده است. اما یکی از خواسته‌های اصلی و پایه‌ای کارگران را مانند حق تشکل، مطلقاً برسمیت نشناخته است. در حالیکه اجازه تشکل انجمنهای اسلامی را برای تبلیغ جمهوری اسلامی داده است.

چاپ رسانده که ترجمه آنرا خواهید خواند.

در پی قیام ۱۹۷۹، کارگران ایران دست به اقداماتی برای تامین حقوق پایه‌ای خود زدند که در خلال انقلاب کسب کرده بودند. کارگران تشکلهای مستقل خود (شوراها) را برپا کردند، چهل ساعت کار در هفته و حق اعتصاب را عملی ساختند. آنها مطالبات دیگری را نیز بسته به توازن قوا در سطح کارخانه‌ها به اجرا درآوردند.

در سال ۱۹۸۱ موج سرکوب و خفقان با هدف پس زدن جنبش کارگری براه افتاد. جمهوری اسلامی در مقابل مبارزات کارگران که قانون کار دیگری می‌خواستند، (رژیم تیار به هرگونه قانون کار را رد می‌کرد) مجبور از تدوین قانون کار جدید شد. در پیش نویس قانون کار اول که به سال ۱۹۸۲ انتشار یافت، دولت اسلامی در صدد قانونی کردن قدرت صاحبان کار تا آن حدی شد که حتی کلمه "کارگر" را با کلمه "کارپذیر" عوض کرد. جمهوری اسلامی در آن قانون هیچ حدی برای ساعات کار، حداقل دستمزد و یا هیچ تضمینی برای مقابله کردن با اخراج و بیکارسازی قائل نشده بود. دولت هر اقدامی از جانب کارگران علیه اخراج و بیکارسازیها را تخطی از حقوق صاحبان

قانون کار اخیر ایران

حقوق کارگران را محدود می‌کند

در جمهوری اسلامی توضیح می‌دهد آمده است: "برای مثال امروز، هر بار که کارگران کره جنوبی، ایرلند، نیجریه، پرو و یا یوگسلاوی، اتحادیه خودشان را بوجود می‌آورند و شرایط کارشان را بهتر کنند، این مسئله به کارگران آمریکا، ژاپن و آلمان کمک خواهد کرد که مشاغلشان را از دست ندهند و حفظ کنند. این یکی از بزرگترین واقعیتهای برای کارگران در دهه ۹۰ است. ما همین الان در آمریکا می‌توانیم به خودمان و همچنین کارگران مزدی در ایران از طریق متقاعد کردن اتحادیه‌های محلی خود به ارسال نامه و اعتراض به قوانین کاری که جان تک تک کارگران ایران و فرزندانشان را تهدید می‌کند، کمک کنیم."

بعلاوه نشریه "تی.اند.جی.رکوردر" که بیش از یک میلیون تیراژ دارد و متعلق به اتحادیه سراسری کارگران حمل و نقل انگلستان است مقاله‌ای با عنوان "قانون کار اخیر ایران حقوق کارگران را محدود می‌کند" در حکومت قانون کار جمهوری اسلامی به

به گزارش حزب کمونیست ایران، تعدادی از اتحادیه‌ها و رهبران کارگری انگلستان این قانون را طی قطعنامه‌ای و به دلیل برسمیت نشناختن حقوق کارگران ایران محکوم کرده‌اند که عبارتند از: پتر هیتفیلد، دبیر کل اتحادیه کارگران معادن، جاکوب اکسلستون، معاون دبیر کل اتحادیه سراسری ژورنالیستها، عدالت سراسری برای کارگران معادن، اتحادیه کارگران ساختمانی و تکنسینها و کارهای وابسته، انجمن کارکنان خدمات عمومی و مدنی، استوارد باربر، مسئول منطقه لندن اتحادیه سراسری کارکنان خدمات عمومی، کمیسین دفاع از کارگران مهاجر فیلیپینی و مرکز زنان "سات کمسن" در انگلستان.

همچنین "کوییک ریپدر"، بولتن خبری "کمیته شبکه‌های کارگران لس آنجلس" در آمریکا، مطلبی را در مورد قانون کار در ایران به چاپ رسانده است. در این مطلب که ضمن اشاره به وضعیت کارگران ایران، نبود حق تشکل، شرایط کار و بی حقوقی آنها را

اخبار کوتاه

رومانی،

اعتصاب صدهزار معدنچی

روز ۵ اکتبر، بیش از صد هزار کارگر معدن در اعتراض به برنامه‌های دولت در صنایع معادن دست به یک اعتصاب دو ساعته اخطاری زدند. این اعتصاب منجر به توقف تولید در معادن زغال سنگ، آهن، سنگ و مواد معدنی شد. اتحادیه کارگران معادن اعلام کرد "این اعتصاب مطالبه کارگران را که دولت باید سیاست جدید انرژی را طوری پیش ببرد که باعث تثبیت قیمت مواد مصرفی و بهروری معادن شود" تقویت کرد.

انگلستان،

علیه سیاست مالیاتی دولت

شب ۱۹ اکتبر، در تظاهرات وسیعی که در مقابل زندان "بریکستون" در لندن بر علیه سیاست مالیاتی محلی دولت انگلستان برگزار شد، ۱۲۰ نفر دستگیر شدند. تاکنون ۹۰ نفر از دستگیر شدگان بجرم ایجاد خشونت محکوم شدند و محاکمه ۳۰ نفر بقیه ادامه دارد.

کنگو،

آزادی انتخاب نماینده

کارگران کنگو در اعتراض به غیر قانونی بودن انتخابات آزاد در اتحادیه‌هایشان در اواسط ماه سپتامبر یک اعتصاب سراسری سازمان دادند. اعتصاب "برازاویل" پایتخت کنگو را فلج کرد و دولت ناچار شد که انتخابات در بین اتحادیه‌های قانونی و برسمیت شناخته شده را آزاد کند.

کره جنوبی،

اشغال کارخانه توسط کارگران

۶۰۰ کارگر که در اوایل سپتامبر یک کارخانه تولید مهمات را در "پوسن" اشغال کرده بودند هنگامیکه با حمله ۳ هزار پلیس مواجه شدند، با سنگ و کوبل مولوتف از خود دفاع کردند و سرانجام ناچار به عقب نشینی شدند.

بنگلادش،

اعتصاب رانندگان اتوبوس

اواسط سپتامبر رانندگان اتوبوس در بنگلادش در اعتراض به آزار رانندگان و اتحادیه‌شان توسط دولت دست از کار کشیدند. با اعتصاب رانندگان در اکثر نقاط بنگلادش رفت و آمد مختل شد. در شهر "پابنا" پلیس بروی رانندگان آتش کشود و ۱۵ نفر را مجروح کرد.

استرالیا،

جیره بندی بعلت اعتصاب

با اعتصاب کارگران و رانندگان شرکت "اسو" بنزین در استرالیا جیره بندی شد. اعتصاب کارگران بر سر بهبود شرایط کار، باعث شد که ۴۰ درصد از کار انتقال نفت خام از مراکز نفتی متوقف شود.

سوئد،

اخراج کارگران

روز ۱۱ سپتامبر ۱۰۰ کارگر کارخانه "او اکا استیل" اخراج شدند. به گزارش روزنامه سوئدی "داکنز لی هتر" که این خبر را منتشر ساخت، مدیر عامل شرکت فقدان کار را دلیل اخراج اعلام کرد. این کارخانه ۱۲۰۰ کارگر دارد که ۹۵۰ نفر از آنها از شرایط قرارداد دستجمعی برخوردار هستند. به گزارش این روزنامه، ۱۵۰ کارگر کارخانه بلبرینگ سازی در شهر گوتنبرگ نیز بدلیل انتقال تولید به ایتالیا در اوایل سال آتی بیکار خواهند شد.

در حمایت از « کمیته دفاع از مارک کورتیس »

بهبود ایمنی محیط کار مبارزه می‌کند. پس از دستگیری پلیس وحشیانه او را شکنجه کرد. مارک کورتیس در یک دادگاه ناعادلانه، بدون اینکه مهلت پیدا کند در دفاع از خود مدارکی ارائه دهد، به ۲۵ سال زندان محکوم شد. او را به زندان مجرمین جنایی فرستاده‌اند. وی هم اکنون مبارزه می‌کند تا بعنوان یک زندانی سیاسی برسمیت شناخته شود. "کیت کاکو" همسر مارک کمپینی را برای آزادی او براه انداخته است.



مارک کورتیس بعد از ضرب و جرح توسط پلیس در چهارم مارس ۱۹۸۸

مارک را با یک صحنه سازی بیش‌رمانه به جرم تجاوز دستگیر کردند! اما جرم واقعی این بود که می‌کوشید کارگران را متحد کند. از حقوق کارگران مهاجر آسیایی و آمریکایی لاین دفاع می‌کرد و علیه کاهش دستمزد و بالابردن شدت کار و برای

سازی "کمیته دفاع از مارک کورتیس" در مارس ۱۹۸۸ تشکیل شد و تاکنون مورد پشتیبانی کارگران، اتحادیه‌های کارگری، کشاورزان، گروه‌های آزادی زنان، دانشجویان، هنرمندان و تعداد زیادی از مردم در جهان قرار گرفته است.

معدنچیان کانادا

در اعتراض به

عدم ایمنی محیط کار

مرکز خبری کارگزار امروز:

در اوایل ماه سپتامبر، اعتصاب ۵۰۰ کارگر معادن غرب کانادا که در اعتراض به عدم ایمنی محیط کار آغاز شده بود پس از ۵ روز و با به نتیجه رسیدن مذاکرات خاتمه یافت.

به گزارش روزنامه کانادایی "تایمز کولونیتس"، اعتصاب معدنچیان در اعتراض به وضعیت ایمنی محیط کار بدنبال ۳ سانحه حین کار در کمتر از یک هفته و مجروح شدن ۲ کارگر آغاز شد. در این سانحه یک کارگر ۲۳ ساله دستش را از دست داد و یک معدنچی ۴۰ ساله نیز دچار شکستگی پا و لگن خاصره شد.

نماینده اتحادیه معدنچیان قبلا اعلام کرده بود که کارگران تنها زمانی به سر کار خواهند رفت که مدیریت قاطعانه تعهد دهد به شکایات رسیده در مورد وضعیت ایمنی سریعاً رسیدگی کند.

تخصیص بودجه

به حل مسئله

بی سرپناهان

تعداد افراد بی سرپناه در آمریکا بشدت در حال رشد است. زیر پلهای اتوبانها، کنار خطوط راه آهن، ترمینالها و متروهای شهری اماکنی است که این انسانهای بخت برگشته به آن پناه می‌برند. حل این مساله بالاخره در دستور کار بسیاری از شهرداریها قرار گرفته است. اما فکر می‌کنید که چه نوع راه حلی برای این مساله مهم اجتماعی در نظر گرفته شده؟ ایجاد شغل؟ افزایش حداقل دستمزد؟ ساختن خانه های ارزان قیمت؟ پرداخت بیمه‌های اجتماعی به افراد بیکار؟ باید گفت که پلهای نسبتاً کلای به حل این مساله اختصاص یافته است

ملوانان حرکت نیروهای نظامی فرانسه به خلیج فارس را به تاخیر انداختند

هیچگونه منفعتی در ماجراجویی در منطقه خلیج ندارند که کار، قدرت خرید و زندگی خود را در گرو آن بگذارند...

بنا به این گزارش نیروهای نظامی پس از چند ساعت و با مداخله یکی از رهبران و مسئولین منطقه‌ای "ث.ژ.ت" موفق به حرکت شدند. "ث.ژ.ت" با صدور اعلامیه‌ای در محل ضمن برحذر داشتن ملوانان از ممانعت از عزیمت کشتی‌ها اعلام داشت: "ما تمکین می‌کنیم... ما شهروندیم و اطاعت می‌کنیم..."

این گزارش حاکی است، عصر روز ۱۹ سپتامبر ملوانان وابسته به سندیکای کارگران "کرس" نیز عزیمت نیروهای فرانسوی را که از ناحیه "باستیا" عازم "مارسی" بودند ۴ ساعت به تاخیر انداختند. ملوانان خواهان دریافت پاداش فوق‌العاده بدلیل خطر کار به میزان ۱۲۲۴ فرانک در روز شدند.

کارگران ترکیه خواهان ۵۰۰

درصد افزایش دستمزد شدند

جدید به توافق برسند. در صورت عدم توافق، مسئله به دادگاه قضایی رجوع داده خواهد شد. "سوکت یلماز" در اینمورد گفت که: "این تنها راه قانونی است، راه‌های غیر قانونی هم وجود دارد، ما می‌توانیم دست به اعتراض بزنیم و یا اینکه سرعت تولید را کاهش بدهیم..."

به گزارش مذکور، از اوایل اکتبر مذاکرات بر سر دستمزد با اتحادیه کارگران نساجی و اتحادیه کارگران ذغال سنگ آغاز شده است. کارگران نساجی خواهان ۱٫۵ میلیون لیر دستمزد برای سال اول و بعلاوه ۵۰ درصد افزایش دستمزد مطابق با نرخ تورم از سال دوم هستند. دستمزد کنونی کارگران نساجی حدود ۳۰۰ هزار لیر ترکیه است.

مرکز خبری کارگزار امروز:

روز ۲۰ سپتامبر ملوانان وابسته به سندیکای "ث.ژ.ت" تلاش کردند تا مانع حرکت اولین گروه‌های تقویتی نظامی فرانسه به منطقه خلیج فارس شوند. این گروه‌ها متشکل از ۴ هزار نفر به همراه تجهیزات نظامی، از بندر "تولون" واقع در جنوب فرانسه عازم خلیج فارس بودند.

به گزارش سارا اصلانی گزارشگر کارگر امروز در فرانسه، ملوانان در اعتراض به لشکرکشی دولت فرانسه به خلیج فارس و بویژه استفاده از ۹ کشتی غیرنظامی و بکارگیری کارکنان آنها در انتقال نیرو به این منطقه دست به این عمل زدند. روز قبل از اعزام نیروها، اتحادیه محلی فدراسیونهای "ث.ژ.ت" با انتشار اعلامیه‌ای از جمله گفت: "مردم عادی که صاحب ثروت و مقامی نیستند

مرکز خبری کارگزار امروز:

روز ۱۲ اکتبر کارفرمایان ترکیه در آنکارا تجمع کردند تا برای تهدید به اعتصاب ۸۰۰ هزار کارگر بخش خصوصی راه حلی بیابند. اتحادیه‌های کارگری با توجه به نرخ تورم رو به رشد در ترکیه که هم اکنون بیش از ۸ درصد است خواهان ۵۰۰ درصد افزایش دستمزد هستند.

به گزارش تایمز مالی، "سوکت یلماز"، رهبر بزرگترین فدراسیون اتحادیه‌های کارگری در ترکیه که بیش از دو میلیون عضو دارد اعلام کرد: "در صورتیکه مذاکرات بی نتیجه بماند اعتصاب اجتناب ناپذیر خواهد بود." طبق قوانین ترکیه اتحادیه‌های کارگری و کارفرماها ۶۰ روز فرصت دارند تا بر سر قرارداد دسته جمعی دو ساله

شرکتهای

مقاطعه کار

مسئول مرگ کارگران

بدنبال تحقیقات "اداره سلامت و ایمنی"، ۵ شرکت مقاطعه کار بعنوان مسئولین مرگ "کیت لینچ" کارگری که در حین ساختن تونل دریای مانس کشته شد تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت. "لینچ"، چهارمین کارگر از ۷ کارگری بود که بر اثر نبود وسائل ایمنی کافی و سودجویی شرکتهای ساختمانی قربانی ساختن تونل مانس شدند. یکی دیگر از موارد اتهام شرکتها مرگ سومین قربانی تونل مانس یعنی "گری وود وارد" است که در اکتبر سال ۱۹۸۹ در حین کار کشته شد. نتیجه تحقیقات نشان داده است که استاندارد ایمنی کار شرکتها در حدی نبوده است که در آن ایمنی کارگران و جان آنها محافظت شود.

اسپانیا، اعتراض رانندگان کامیون به افزایش قیمت بنزین

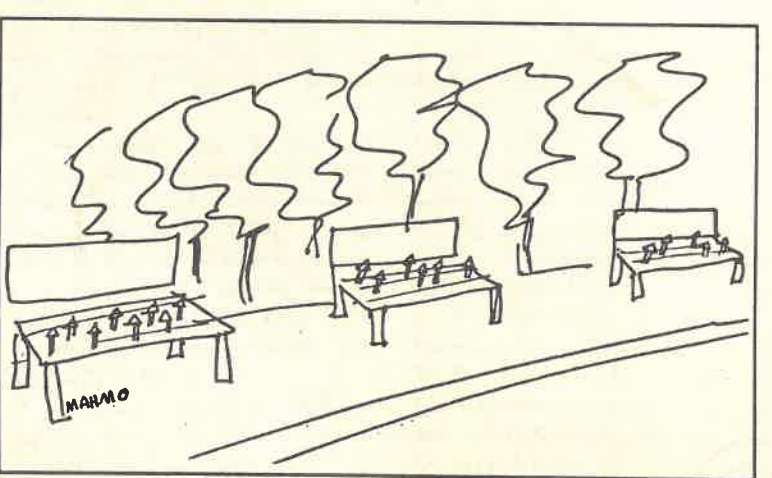
مرکز خبری کارگزار امروز: اعتصاب ۴ روزه بیش از ۳۰ هزار راننده کامیون در اسپانیا که بدنبال افزایش ۲۴ درصد قیمت گازوئیل آغاز شد روز ۱۸ اکتبر به پایان رسید. اعتصاب رانندگان که در بیش از ۱۰۹ نقطه در اسپانیا جاده‌ها را بسته بودند مانع رسیدن مواد ضروری به برخی از نقاط این کشور گردید و کمبودهایی در مواد غذایی بوجود آورد. در طی این چند روز قیمت مواد غذایی تا ۳۰ درصد افزایش یافت. کارخانجات اتومبیل سازی از

قبیل جنرال موتورز، سیتروئن، و پژو در مادرید بدلیل کمبود قطعات موقتا بسته شدند. در طول اعتصاب صدها تن از رانندگان که در پیکت مشغول بودند دستگیر شدند که تعدادی از آنها به پرداخت ۱۱۰۰ دلار جریمه محکوم شدند و گواهینامه‌شان را نیز از دست دادند. سرانجام روز ۱۸ اکتبر وزیر راه و ترابری اسپانیا با برخی از مطالبات رانندگان از قبیل کاهش کارهای اداری و تشریفات گمرکی موافقت کرد و رانندگان جاده‌ها را مجدداً باز کردند.

عملا نتواند روی آنها بخوابد. مقامات کالیفرنیا در نظر دارند بته‌های بلند کنار اتوبانها را که حدود ۲ هزار نفر را در خود پناه داده است از ریشه درآورند و بجای آنها گیاههای کوچک بکارند. گفتنی است که ابتدا پیشنهاد شده بود که گیاههای بیماری‌زا بکارند و منطقه را با یک ماده چسبیده اسپری کنند. اما این پیشنهاد خارق‌العاده رد شد. فکر می‌کنید که علت آن توجه و دل سوزاندن بحال بی سرپناهان بود؟ خیر. از این امامزاده نباید معجزه‌ای انتظار داشت. علت آن اعتراض اداره ترانسپورت کالیفرنیا به این مضمون بود: "کارکنان ما هم باید در این منطقه کار کنند." چیزی نخواهد گذشت که مقامات دولتی و شهری پیشنهاد کنند که برای حل دائم مساله بهتر است بی سر پناهان را به خواب دائم فرو بریم!

ممانعت از خوابیدن افراد بی سرپناه در حمامهای ایستگاه قطار است.

ولی نه به شکلی که عقل سلیم انتظار دارد. به نمونه‌هایی از راه‌حلهای



خدمات شهرداری برای بی سرپناهان

پیشنهادی توجه کنید: مقامات شهر فیلادلفیا ۷۰ هزار دلار به استخدام مامورینی اختصاص دادند که کارشان

مقامات شهر "سیاتل" تصمیم گرفته‌اند که در ایستگاههای اتوبوس شهری نیمکت‌های سنگی نصب کنند، تا کسی

به نقل از:

نشریه "اسپارک" چاپ آمریکا

کارگزاران

آلمان شرقی: فرار نظامیان از «ارتش بیکاران»

پرسنل نظامی جمهوری دموکراتیک آلمان حاضرند در خاورمیانه خدمت کنند. روز سوم اکتبر که آلمان شرقی و آلمان غربی وحدت کردند، حیات ارتش آلمان شرقی خاتمه یافت. ک. استولتنبیگ، وزیر دفاع آلمان غربی اعلام کرده که فقط در حدود پنجاه هزار سرباز از ارتش آلمان شرقی به ارتش آلمان فدرال خواهند پیوست. همین تعداد سرباز آلمان شرقی نیز داخل "ارتش بیکاران" خواهند شد. ارتشی که طی چند هفته اخیر در آلمان شرقی تعدادش به ۲۵۰ هزار نفر رسیده است. اما همه افسران آلمان شرقی از این امر نگران نیستند. بازار عرضه و تقاضا را تعیین می کند. و آدمها را بفکر می اندازد. از آنجا که در بازار اروپا در حال حاضر تقاضا برای حرفه نظامیگری چندان زیاد نیست، چرا افسران خودشان را در نقطه دیگری از جهان عرضه نکنند؟ مثلا، در خاورمیانه.

این اواخر فاش شد که عربستان سعودی نخستین کشوری بوده که به سرنوشت افسران سابق آلمان شرقی علاقه نشان داده است. محمد یفائی، سفیر عربستان سعودی در بن، "بنحو فوق العاده ای" در قضیه افسران و سربازان آلمانی ذی علاقه است. و اگر نشانه ای از اشتیاق آنها به تقویت بنیه نظامی پادشاهی سعودی دیده شود، فوراً اظهاراتشان را به اطلاع ریاض خواهد رساند. اما این کاندیدهای بیکاری در صفوف افسران سابق ارتش آلمان شرقی چه می گویند؟ بنظر سرهنگ "هورمست کیرشوبل"، رئیس اتحادیه تازه تاسیس "نظامیان حرفه ای" در آلمان شرقی، چیز عجیبی در پیوستن نظامیان سابق آلمان به ارتشهای خارجی مثل عربستان سعودی وجود ندارد. ستوان "اولاف گرابو"، ۲۴ ساله، از پادگان "اورانیون بورگ" می گوید: "من یک نظامی حرفه ای هستم و هیچ حرفه دیگری در زندگیم

دستیابی رانندگان کامیون

حمل زباله در پاریس به افزایش دستمزد

زباله شرکتی خصوصی و در بهار گذشته رفتگران شهرداری پاریس با مطالبه افزایش دستمزد اعتصاب کردند. به گزارش سارا اصلاتی گزارشگر کارگر امروز در فرانسه، در طی مذاکرات تاکنونی، مدیریت و شهرداری با افزایش حقوق ۱۰۰ تا ۲۵۰ فرانک در ماه موافقت کرده اند. این عقب نشینی هرچند مختصر نشان داد که شهرداری پاریس با این وجود که کوشید کامیونهای حمل زباله شرکتی خصوصی را بکار بگیرد نتوانست با اعتصاب کارگران شهرداری مقابله کند. "ژاک شیراک"، شهردار پاریس قبلا اعلام کرده بود که این اعتصاب غیرقانونی است و هیچگونه تغییری در میزان دستمزد کارگران بوجود نخواهد آورد!

مرکز خبری کارگزاران امروز: اعتصاب رانندگان کامیونهای حمل زباله که از اواسط سپتامبر با مطالبه ۵۰۰ فرانک افزایش دستمزد در ماه آغاز شده بود روز سوم اکتبر با موافقت شهرداری با مذاکره خاتمه یافت. رانندگان از بدو اعتصاب تا روز ۲۸ سپتامبر در محلی که زباله را از بین می برد بطور شبانه روزی و بدون وقفه بیکت کردند. در یکی از شرکتی خصوصی حمل زباله، کارگران وابسته به "ت.ژ.ت" در همبستگی با کارگران شهرداری یکروز دست از کار کشیدند. مبارزه رفتگران پاریس برای افزایش دستمزد مدتهاست در جریان است. سال گذشته رانندگان کامیونهای حمل

نیاموخته ام. بیکار شدن بعد از ۶ سال کار در ارتش مناسب حال نیست. می خواهم قبل از اینکه به خیابانها پرتاب شوم کاری در یکی از ارتشهای خاورمیانه پیدا کنم." "هربرت هیز"، درجه دار ۲۰ ساله و راننده تانک، می گوید که بنظر او این بیش از هر چیز فرصتی برای سیاحت جهان است. و راستش، شاید فرصتی هم برای خودنمایی. نظامیان ارتش آلمان شرقی آموزش خیلی خوبی دارند. همانطور که رسم بازار است، افسران خودشان نرخشان را اعلام کرده اند: در ازای ماهانه ۲۵۰۰ فرانک آلمان غربی، حاضرند به کشورهای دور دست هم بروند. می گویند: "چه کسی می تواند با ماهی ۵۰۰ فرانک کمک هزینه بیکاری زندگی کند؟"

تلخیص شده از: نشریه "مسکو نیوز"

شگرد تازه کمپانی رنو برای بیکارسازی

را بدنال خواهد داشت یکی را انتخاب کنند! به گزارش مذکور، کمپانی رنو از ماه سپتامبر تاکنون کارگرانی را که مازاد بر احتیاج شناخته شده اند در گروههای ۲۰ تا ۳۰ نفری در ۱۵ منطقه جمع کرده است تا کمپانی برای آنها کاری پیدا کند. کارهایی از قبیل رانندگی شهرداری، کار نظافت و... یک شرکت خصوصی رابط میان کارگران و کمپانی رنو برای کاریابی است و اغلب کارهای پیشنهادی قبلا در روزنامهها آگهی شده و تا کارگران خود را به محل برسانند کاری باقی نمانده است.

مدیریت قصد دارد بیکار سازها را تحت عنوان طرحی جدید انجام دهد که در آن از جمله آمده است "کارگران در صورت تمایل می توانند به عضویت این قرارداد درآیند و مهلت شان برای پیوستن به قرارداد تنها تا ۱۵ نوامبر سال ۱۹۹۰ خواهد بود". بنا به این گزارش، کارگران چه این طرح را بپذیرند یا نپذیرند قراردادشان روز ۳۱ دسامبر سال جاری به پایان می رسد و ناچارند میان این طرح که ۵۰ هزار فرانک پاداش، و شش ماه دستمزد را علاوه بر بیمه بیکاری خواهد پرداخت و بیکاری که فقط پرداخت بیمه بیکاری

مرکز خبری کارگزاران امروز: کمپانی رنو قصد دارد تعداد کارگران خود را از ۷۰ هزار به ۵۰ هزار کاهش دهد. این کمپانی اخیرا برای بیکار سازی کارگران طرحی را تحت عنوان "قرارداد جدید - تغییر پست" ابداع کرده و عملی کردن آنرا به کمپتهای به نام "کمپته موسس" سپرده است. به گزارش سارا اصلاتی گزارشگر کارگزار امروز در فرانسه، کمتر از یکسال است که کمپانی رنو تعطیل کارخانه اش را در "بیانکورت" واقع در حومه شهر پاریس اعلام کرده است. اما

کانادا، کنترل کارگران بر صندوق بازنشستگی

که در آن کنترل بر بودجه و صندوق بیشتر است. کسی نمی تواند موجودی صندوق را بگیرد و یا آنرا بد اداره کند. کارگران همیشه خواهند دانست که موجودی چقدر است و چطور خرج می شود. کنترل بر صندوق بازنشستگی مطالبه بسیاری از اتحادیه های کارگری است اما تاکنون فقط چندین اتحادیه موفق شده اند که این مطالبه را حتی به سطح مذاکره برسانند. بنا به این گزارش، کارگران کمپانی مذکور در ۵ کارخانه به یک قرارداد سه ساله جدید دست یافتند که در آن دستمزد متوسط کارگران در سال اول و دوم ۶ درصد، و در سال سوم ۵ درصد افزایش خواهد یافت.

مرکز خبری کارگزاران امروز: اتحادیه کارگران فلز کنترل کامل بر برنامه پرداخت بازنشستگی توسط کارفرما را در یک کارخانه متعلق به کمپانی "جی.اس. دلبلو" در اونتاریو بدست آورد. به گزارش روزنامه کانادایی "گلوب اند میل"، نماینده کارگران در مورد پیروزی کارگران گفت: "ما مدیر مالی خودمان و حسابدار خودمان را برای اداره صندوق بازنشستگی استخدام خواهیم کرد و در صورت اختلاس می توانیم آنها را اخراج کنیم". مدیر اتحادیه کارگران فلز در اونتاریو نیز در مورد این گفت: "طرح بازنشستگی که بطور واقعی به کارگران تعلق داشته باشد طرحی است

اتحادیه، بحران دهه نود؟

ادامه از صفحه ۱

هیچکدام نمی گویند که به جای اتحادیه چه باید داشت و چه باید کرد. آنها انتقادات بسیاری دارند و

در استکلم، "مسائل سازمانی"، "مسوات"، "نفوذ"، "فرهنگ"، و "رشد تکنیک" مهمترین مسائل را تشکیل می دهند. اما بیرون، در کلوبها بیشترین مشغله دستمزد و شرایط کار است. اعتبار اتحادیه به تمامی کاهش یافته، هم نزد اعضا و هم در جامعه... خیلی ها رابطه دولت و "ال.او" را غریب می دانند و می گویند که "ال.او" به کروگان رفته بدون اینکه چیزی گیرش بیاید.

در مقاله دیگری هفته نامه "ال.او" پای صحبت کارگران یک لوکال متعلق به اتحادیه مثال، قدرتمند ترین بخش "ال.او" نشسته است. لوکالی که در بیست و پنجمین سالگرد فعالیتش کسی در آن باقی نمانده است. از ۳۰ عضو آن، ۲۵ کارگر قدیمی و با سابقه بعنوان اعتراض در ژوئیه گذشته اتحادیه را ترک کرده اند. و فقط ۵ کارگر جوانی که دوره آزمایشی را می گذرانند برای از دست ندادن شغل ثابت در اتحادیه مانده اند. آنها که اتحادیه را ترک کرده اند

سوئد، کارگران صنایع جنگل در معرض اخراج

اداره اوقاف که بزرگترین کارفرما در صنایع جنگل است قرار است از ۲۷۰۰ کارگر خود، ۶۰۰ نفر را اخراج کند. به گزارش نشریه "داگنز لی هتر" چاپ سوئد، مذاکرات پیرامون چگونگی کاهش پرسنل در جریان است. اتحادیه کارگران صنایع جنگل که حدود ۱۷ هزار عضو دارد، پیش بینی کرده است که تا آخر سال ۹۱، در این صنایع از هر پنج شغل یک شغل از بین خواهد رفت.

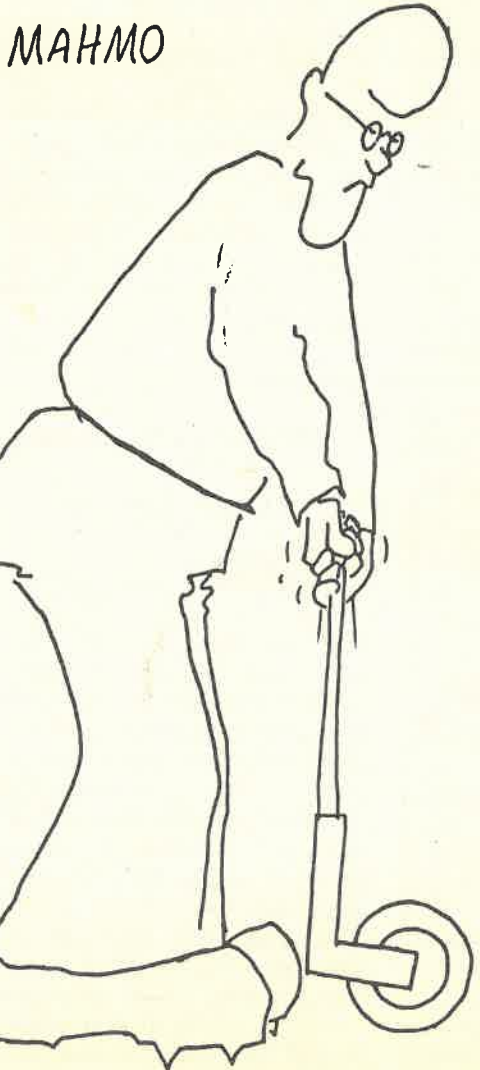
مرکز خبری کارگزاران امروز: اداره جنگلکاری و تعداد زیادی از شرکتی خصوصی در صنایع جنگل درصد اخراج بخش زیادی از کارگران خود هستند. به گفته نماینده اتحادیه کارگران در صنایع جنگل، احتمال حذف دو هزار شغل وجود دارد و تعدادی از شرکتها قصد دارند تعداد کارگران این بخش را به میزان ۳۰ درصد کاهش دهند. مسائل اقتصادی و مکانیزه کردن کار بعنوان دلایل این امر ذکر شده است.

اولین شورای کارگران...

از صفحه ۱
مدیر شورا "میکوئل ویلاوئوئا"، که از سندیکای "یو.ج.ت" است، در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که این ارگان جدید نمی تواند برای قراردادهای دسته جمعی که شامل همه گروهها شود، مذاکره کند، اما می تواند رهنمودهای اساسی صادر کند. وی افزود که برای کاهش تفاوت دستمزدها و یکسان کردن شرایط کار در گروه صنعتی نمی توان تاریخی تعیین کرد اما شورا تلاش خواهد کرد که این تفاوتها به حداقل برسند. ویلاوئوئا تاکید کرد که آماده کردن پلاتفرمی حاوی مطالبات حداقل کلیدی شاغلین در گروه "ولفوزیورگ" در ماه نوامبر شروع خواهد شد. "سزار والیو" نماینده "سی.سی. سی. او.او" در شورا اشاره کرد که این ابتکار، جای خالی یک کمبود شرم آور حقوقی را در محدوده اروپا پر خواهد کرد. او همچنین به مشکلاتی که اتحادیهها برای تاسیس این شورا بر آنها فائق آمدند اشاره کرد. به عقیده نمایندگان اسپانیا در شورا، کارگران اسپانیایی "سیت"، که فولکس واگن در ۱۹۸۶ آن را خرید فقط ۷۰ درصد دستمزد همکاران

می گویند از آنجا که گوش شنوایی برای حرفهایشان نیست اتحادیه را ترک کرده اند. "ماتس یوهانسون" دبیر قبلی واحد محلی اتحادیه می پرسد: چرا همیشه این ما کم درآمد هستیم که باید اقتصاد کشور را نجات بدهیم؟ "نیسه اولسون" با بیست سال سابقه عضویت در اتحادیه اعتقاد دارد که اتحادیه با رفتن پای قراردادهای دسته جمعی پایین به ما خیانت می کند.

"لارش وسترینگ" سخنگوی قبلی هیات اجرایی واحد اتحادیه می گوید: من حاضرم دوباره به اتحادیه برگردم، اما آنروز که مبارزه ای جدی برای افزایش دستمزدها و سیاست عاقلانه ای در مذاکره در پیش بگیرد. "اکتتا کارلسون" خبرنگار هفته نامه "ال.او" درباره عوامل این نارضایتی و ترک دسته جمعی اتحادیه می گوید: این یک واقعه یکباره و ابتدا به ساکن نیست. یک نارضایتی رو به رشد همه پایه های اعتماد در جنبش کارگری را خراب می کند. ریشه های آن از دهه هشتاد آب می خورد. زمانی که ثروتمندها ثروتمندتر شدند و کارگران کمتر گرفتند. دو مذاکره سراسری بر سر دستمزدها در سال ۸۹ تنها ۳۳ درصد به دستمزدها اضافه کرد. با این افزایش چگونه می توان از پس قیمتها و اجاره مسکن که هر سال ۸ تا ۱۰ درصد بالا می رود برآمد؟ در همان سال کارکنان پلیس و آموزگاران ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش دستمزد گرفتند. و بحث در نهارخوری کارخانه ها هنگامی بالا گرفت که معلوم شد که حقوق مسئولین اتحادیه ای تا ۲۰ هزار کرون و بیشتر افزایش یافته است. و هنگامیکه "ال.او" دست در دست دولت سوسیال دمکرات پای انجام دستمزد و توقف اعتصاب رفت و دولت هم قول هایش را از جمله در مورد افزایش مرخصی سالانه پس گرفت دیگر هیچ اعتمادی باقی نماند. □



مارتی روزن بلات:

کارگران فلسطینی خواهان برابری دستمزدها هستند

"مارتی روزن بلات" یکی از فعالین سرشناس جنبش کارگری فلسطین و عضو "مرکز دفاع از حقوق اتحادیه‌ای"، از اسرائیل طی یک مصاحبه تلفنی با همکار ما علی جوادی درباره شرایط کار کارگران فلسطینی در سرزمینهای اشغالی، تبعیضهایی که دولت اسرائیل و "هیستادروت" علیه آنها اعمال می‌کنند، پاکبازی جنبش اتحادیه‌ای در میان کارگران فلسطینی و تأثیرات فوری بحران خلیج فارس بر آنها گفتگو کرد که آنرا خواهید خواند.

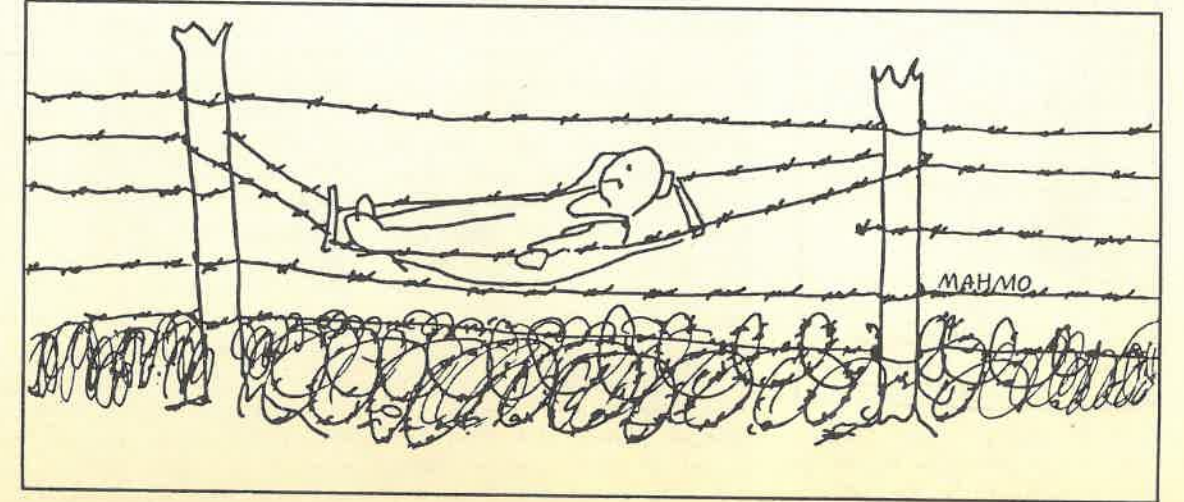
کارگر امروز: لطفاً از خودتان برامان بگوئید، چه فعالیتهایی دارید و چه اهدافی را دنبال می‌کنید؟
مارتی روزن بلات: من از طرف "مرکز دفاع از حقوق اتحادیه‌ای" در فلسطین که مرکز آن در اورشلیم است، صحبت می‌کنم. هدف ما دادن خدمات قانونی به کارگران، آموزش حقوق اتحادیه‌ای و صنفی به کارگران فلسطینی و افزایش نقض مداوم حقوق کارگری از سوی دولت اسرائیل در اراضی اشغالی است. اینها بخشی از فعالیتهایی است که مرکز ما به آن مشغول است. ما فعالیت خود را بتازگی شروع کرده‌ایم و مانند بسیاری از تشکلهای کارگری فلسطینی با مشکلات زیادی برای گسترش فعالیتهایمان روبروئیم.

ک.ا: در مورد شرایط کار و زندگی کارگران فلسطینی در مناطق اشغالی برامان بگوئید.
م.ر.ب: بطور خلاصه شرایط کار و زندگی کارگران فلسطینی را می‌توان با وضعیت کارگران سیاه در آفریقای جنوبی تشبیه کرد. بیشتر کارگران شب و روز خودشان را در محل کارشان، در رستوران، در ساختمانهای نیمه ساخته که در آن بکار اشتغال دارند، بسر می‌برند. درصد کارگرانی که بر اثر سوانح ناشی از کار جان خود را از دست می‌دهند، بخصوص در صنایع ساختمانی بسیار بالاست. مواردی هم که کارگران فلسطینی مورد حمله نژادپرستان اسرائیلی قرار گرفته‌اند و به قتل رسیده‌اند اصلاً کم نیست. کارگران فلسطینی که در مزارع کار می‌کنند نیز عمدتاً شب و روز خود را در مزرعه بسر می‌برند و غذا و محل خوابشان آفشته به مواد سمی و شیمیایی است که برای مبارزه با آفات بکار برده می‌شود. سخت‌ترین و پست‌ترین کارها نیز

به کارگران فلسطینی سپرده می‌شود. طبق قوانین کار اسرائیل کارگر فلسطینی را حتی پس از سالها کار در کارخانه می‌توان براحتی اخراج کرد حال آنکه کارگر اسرائیلی از مزایای سابقه کار طولانی در محل کارش برخوردار می‌شود.
ک.ا: شرایط کار کارگران زن فلسطینی چگونه است؟
م.ر.ب: اگر کارگران مرد فلسطینی شهروند درجه دوم بشمار می‌آیند، کارگر زن فلسطینی در جامعه اسرائیل در زمره شهروند درجه سه و چهار قرار دارد. کارگران زن فلسطینی نصف دستمزد کارگران مرد را دریافت می‌دارند. کارگران زن بخصوص در صنایع کشاورزی و یا صنایع خانگی از قبیل دست دوزی بکار اشتغال دارند.
ک.ا: وضعیت کارگران فلسطینی روزمزد در اسرائیل چگونه است؟
م.ر.ب: بخش مهمی از کارگران

روزمزه در اسرائیل بحساب می‌آید.
ک.ا: چه درصدی از کارگران فلسطینی برای کار به اسرائیل می‌آیند؟
م.ر.ب: می‌توانم بگویم که نصف کارگران مناطق اشغالی برای کار به اسرائیل می‌آیند. دولت اسرائیل بخش مهمی از کارگران فلسطینی را که برای کار به اسرائیل می‌آیند غیرقانونی می‌داند، چرا که این کارگران از ثبت نام در دفاتر اداره کار دولت اسرائیل خودداری می‌کنند. اما کارگران فلسطین کسر ۳۵ درصد از حقوق و مزایایشان را بعلت مالیات، غیرقانونی می‌دانند. کارگران معترضند و می‌گویند در ازای این ۳۵ درصد هیچگونه خدماتی دریافت نمی‌دارند.
ک.ا: کارگران فلسطینی عمدتاً در چه صنایعی حضور دارند؟
م.ر.ب: اکثریت مهمی از کارگران در صنعت ساختمانی بکار مشغولند و

کارگران خواهان پرداخت مزایای شغلی‌اند. طبق تحقیقی که اخیراً از طرف هیستادروت (اتحادیه کارگران اسرائیلی) صورت گرفته است حتی آنجا که کارگران فلسطینی از نظر شغلی هم رتبه کارگران اسرائیلی قرار دارند، آمار شرایط ایده‌آل و تقریباً نادری را مد نظر دارد.
ک.ا: آیا کارگران فلسطینی می‌توانند به عضویت هیستادروت درآیند؟ حقوق و وضعیت کارگران فلسطینی در درون هیستادروت چگونه است؟
م.ر.ب: طبق قوانین دولت اسرائیل، کلیه کارگران فلسطینی که در اسرائیل کار می‌کنند باید در دفاتر وزارت کار اسرائیل ثبت نام کنند. و به این ترتیب بطور اتوماتیک به عضویت هیستادروت در می‌آیند و باید هر ماه حق عضویت معینی را به هیستادروت بپردازند. با این وجود کارگران فلسطینی که به عضویت هیستادروت در می‌آیند طبق قوانین اسرائیل و اساسنامه درونی خود



هیستادروت از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن محرومند. هیستادروت ادعا می‌کند که کارگران فلسطینی می‌توانند به کمیته‌های محلی کارگری هیستادروت بپیوندند ولی حقیقت امر این است که رهبران و اعضای محلی هیستادروت تمام تلاش خود را بکار می‌بندند تا از عضویت کارگران فلسطینی در این کمیته‌ها جلوگیری کنند.
ک.ا: در مورد شکل گیری تشکلهای کارگری در فلسطین توضیح مختصری بدهید.
م.ر.ب: جنبش کارگری فلسطین اساساً دوره متحولی را از سر می‌گذراند، رشد تشکلهای اتحادیه‌ای در فلسطین از سال ۱۹۸۱ آغاز شد و سرانجام در ماه مارس ۱۹۹۰

اتحادیه کارگران ساختمانی بزرگترین اتحادیه کارگران فلسطینی بشمار می‌رود. همچنین در منطقه "رام‌الله" می‌توان به صنایع غذایی، تهیه پوشاک و کفش دوزی و کشاورزی اشاره کرد که کارگران از تشکلهای اتحادیه‌ای برخوردارند. اتحادیه‌ها همچنین در بخش کارگران و کارکنان بخش خدمات و جمله کارگران بیمارستانها، مدارس و هتلها دارای نفوذ تعیین کننده‌ای هستند.
ک.ا: خواسته‌های فوری کارگران فلسطینی چیست؟
م.ر.ب: کارگران فلسطینی شاغل در درجه اول خواهان برابری دستمزدها هستند، آنها می‌گویند که در مقابل کار برابر باید حقوق مساوی با کارگران اسرائیلی دریافت دارند.

فلسطینی روزمزد هستند، به عبارت دیگر هر روز از کاری به کار دیگر می‌روند. این وضع بیشتر در بخش ساختمان رایج است. این کارگران برای یافتن کار به بازارهای موسوم به "بازار بردگی" رهسپار می‌شوند و در مقابل مزد بسیار ناچیز در شرایط بسیار نامساعدی کار می‌کنند. این بازارها که رسماً در اسرائیل غیر قانونی بحساب می‌آیند بسیار بندرت مورد هجوم پلیس قرار می‌گیرند و یکبار نیز که دولت اسرائیل قصد تعطیل این بازارها را داشت با مقاومت و اعتراض وسیع کارفرماهای اسرائیلی روبرو شد. اقتصاد اسرائیل امروز تا حد زیادی وابسته به این نیروی کار ارزان است و امروز "بازار بردگی" یک جزء لاینفک زندگی

نسبت نیروی کار متشکل در اتحادیه‌ها از همه کشورهای اروپایی پائین تر است و تقریباً به سطح ایالات متحده، کمتر از ۲۰ درصد، می‌رسد. اما این رقم میزان نفوذ اتحادیه‌های فرانسه را کمتر از آنچه هست منعکس می‌کند. میزان نفوذ واقعی اتحادیه‌ها را با حق انتخاب شدن کارکنان به کمیته محل کار و به هیات مدیره صندوق بیمه‌ها بهتر می‌توان سنجید. بر اختلاف سیاسی و خصومت دوچانبه بین اتحادیه‌ها هم در سطح محلی می‌توان غلبه کرد. بر این نکته باید سنت سندیکالیسم تودها را — که انفجارش را بخصوص در اعتصاب کارگران راه آهن سال ۱۹۸۸ دیدیم — افزود تا علل غیر قابل پیش بینی بودن مناسبات کارگر و کارفرما در فرانسه روشنتر شود. با اینهمه اعتراضات کارگری چند هفته گذشته روشن ساخت که تا چه حد بخشهای تحت فشار بازار کار فرانسه به بریتانیا شباهت دارد. اعتصاب باراندازها توسط "ث.ژ.ت." در دانکرک که از ۲۶ سپتامبر آغاز شده بود و یک خط کشتیرانی را وادار به تغییر مسیر کرده بود، این هفته به سراسر کشور گسترش یافت و هدف را دفاع از طرح خود کارگران بارانداز فرانسه قرار داد. اعتصاب رانندگان زباله جمع کن "ث.ژ.ت." در پاریس که بر سر

زحمتکش را سخت تر می‌سازد. حتی ژان کاسپار رهبر جدید "ث.اف.د.ت." که نزدیکترین اتحادیه به حزب سوسیالیست است و به همین سبب نفوذش را از دست داده است، از کسر کردن مالیات شرکتی بزرگ شکوه کرد. اکنون یک مالیات جدید ۱٫۱ درصدی قابل کسر از دستمزدها و پورهای در کانون توجه قرار گرفته است. این مالیات جدید، که به "مالیات روکار" موسوم شده، طرح میشل روکار برای تامین مخارج سیستم تامین اجتماعی فرانسه است. مالیات جدید، که عنوان رسمی‌اش "در افزایش اجتماعی عمومی" است، قرار است جایگزین مالیات ۰٫۳ درصدی شود که اکنون به حقوقها تعلق می‌گیرد. از مجموع ۳۷۰ میلیارد فرانک درآمد دولت که در طرح پیش بینی شده، ۳۰۰ میلیارد فرانک آن از طریق مالیات بر دستمزدها تامین خواهد شد. همه کنفدراسیون‌های کارگری، به استثنای "ث.اف.د.ت."، شدیداً به این طرح و ناعادلانه بودنش معترض‌اند. اما، نظیر همه لفاظی‌های اتحادیه‌های فرانسه، واقعیت خشک اینست که نزول تعداد اعضا، سطح پائین تشکل در اتحادیه، و اختلافات سیاسی در بدست هم می‌دهد و اقدام موثر را دشوار می‌سازند.

موسم ناراضی در فرانسه
بره‌گویی، پیش نویس بودجه سال ۹۱ را اعلام کرد. این پیش نویس با نگرانی تمام سازمانهای اتحادیه‌ای مواجه شد. آقای بره‌گویی می‌خواهد هزینه‌های عمومی عمده را، ظاهراً برای جبران تأثیرات بحران خلیج فارس، متوقف کند. در عین اینکه هزینه‌های دفاعی را افزایش می‌دهد و از مالیات بر صاحبان سرمایه، حول و حوش ۷۵۰ میلیون لیره استرلینگ در سال، کسر می‌کند. دلخوشکنکی که این بودجه به چه می‌دهد افزایش ناچیزی در مالیات بر ثروت در فرانسه است. هائری کراسوکی، دبیر کل "ث.ژ.ت."، بزرگترین و پر نفوذترین کنفدراسیون اتحادیه‌ای که تحت رهبری کمونیست‌هاست، عذر "بحران خلیج" دولت را "ریاکاری تمام عیار" خواند و سریعاً یک آژیتاسیون دو هفته‌ای در محل کار را بمنظور فراهم آوردن زمینه برای اقدام اعتراضی کارگری اعلام کرد. مارک بلوندل، که رهبر "اف.او." اتحادیه تحت نفوذ دست راستیها است اعتراض کرد که دولت دارد "ریاضت را شدت می‌بخشد، نابرابری را تشدید می‌کند، و موقعیت مردم

پائیز سنتا فصل ناآرامی کارکنان در فرانسه است. پس از تعطیل تابستانی، بازگشت همگانی به ادارات و کارخانه‌ها گرفتاریهایی را بیاد شاغلین می‌آورد که در ماه ژوئیه جا گذاشته بودند. پارسال کارگران اتوموبیل سازی و پرستارها، سال پیش از آن کارگران راه آهن و مستخدمین دولت. از همین حالا پیداست که امسال "قاراشمیش" تر از معمول خواهد بود: حرکتیهای پراکنده کارگران باراندازها، کارگران خطوط هوایی، کارمندان تامین اجتماعی، و رفتگران پاریس، که عمدتاً معطوف به بخش عمومی و واحدهایی است که در مالکیت دولت است. اما این اعتصابات نسبتاً محدود می‌تواند پیش‌غذای ناآرامیهای بسیار گسترده‌تری تا قبل از پایان سال باشد. آنچه خشم اتحادیه‌های فرانسه را برانگیخته است برنامه بودجه نخست وزیر دولت حزب سوسیالیست، میشل روکار، و طرح‌های او برای مالیاتهای تازه است که قرار است کسر بودجه مزمن سیستم تامین اجتماعی را پر کند. ماه گذشته وزیر دارائی، پیر

کنفدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگران فلسطین تشکیل شد. رشد جنبش عمومی مردم فلسطین، "انتفاضه" فاکتور بسیار مهمی در رشد جنبش کارگری و تحول جامعه فلسطین بطور کلی بوده است. بطور مثال امسال برای اولین بار در یک قرارداد دسته جمعی وسیع تبعیض و نابرابری بین کارگران زن و مرد رسماً ممنوع اعلام شد. از جمله مسائل دیگری که جنبش کارگری و اتحادیه ما با آن روبرو هستند مسئله چگونگی پرداخت مزدها در هنگام اعتصاب عمومی و همچنین تلاش برای پائین آوردن ساعت کار است.
ک.ا: حوادث اخیر در خاورمیانه چه تأثیری در سیاست دولت اسرائیل برای مقابله با جنبش فلسطین داشته است؟
م.ر.ب: دولت اسرائیل بدنبال حوادث اخیر خاورمیانه حمله وسیعی را به اتحادیه‌های کارگری سازمان داد. البته این بیپس وجه یک اقدام بیسابقه بحساب نمی‌آید، ارتش و مقامات امنیتی اسرائیل بارها دفاتر اتحادیه‌های کارگری فلسطین را مورد تهاجم قرار داده‌اند. از اینرو زمانه‌که در اثر حوادث جهانی توجه اذهان عمومی به نقطه دیگری از جهان معطوف است، دولت اسرائیل از این فرصت استفاده کرده و بلافاصله اتحادیه‌ها را مورد تهاجم قرار می‌دهد. برای مثال می‌توانم به تازمترین حمله نیروهای امنیتی اسرائیل در اوایل ماه اوت به دفاتر اتحادیه‌های فلسطینی در "رام‌الله" اشاره کنم. نیروهای امنیتی دفاتر اتحادیه‌ها را بطور کامل غارت کردند. بطوریکه هیچگونه پرونده‌ای بجا نمانده است. نیروهای امنیتی بخصوص پرونده اعضا را در اختیار می‌گیرند که بدینوسیله سراغ فعالین رفته و آنها را مورد اذیت و آزار قرار دهند. یک تأثیر دیگر حوادث اخیر، خروج هزاران کارگر فلسطینی از کویت بوده است، و از سوی دیگر بسیاری از کارگران فلسطینی در دیگر کشورهای عربی از جمله عربستان سعودی در خطر از دست دادن شغلایشان قرار دارند. چرا که پشتیبانی سازمان آزادیبخش فلسطین از دولت عراق خشم بسیاری از دول عربی را برانگیخته و آنها دست به اقدامات تلافی جویانه علیه فلسطینیها زده‌اند. تا آنجا که به تأثیرات فوری این تحولات باز می‌گردد می‌توان به رشد بیکاری در اثر بازگشت کارگران مهاجر فلسطینی اشاره کرد. همچنین بسیاری از خانواده‌های فلسطینی که از طریق دستمزد کارگران مهاجر مقیم خلیج فارس زندگی می‌کردند هم اکنون در وضعیت مالی دشواری قرار دارند. □

افزایش دستمزد بود پس از سه هفته بتازگی با عدم موفقیت خاتمه یافت. خطر به میدان آمدن پیمانکاران خصوصی زیر مشاخره نهفته بود. شباهت دیگر به صحنه کارگری بریتانیا، در پائین رفتن نسبی دستمزدها در بخش خدمات عمومی و نتیجتاً رواج ناراضی در میان کارکنان دولت، معلمان و کارمندان بخش بهداشت است. در یک نمایش کم سابقه وحدت، هر پنج سازمان اصلی اتحادیه‌ای ("ث.ژ.ت.", "ث.اف.د.ت.", "اف.او.", اتحادیه کاتولیک "ث.اف.ت.ت.", و اتحادیه کارمندان دانشگاه دیده "ث.ژ.ت.") اعتصاب یکروزه کارکنان تامین اجتماعی را برای ۱۶ اکتبر فراخوان داده‌اند. اختلاف بین کارکنان و کارفرما در بخش تامین اجتماعی در چند هفته اخیر به اغلب واحدهای منطقه‌ای کشیده شده است و این اعتصاب جزئی از همین مشاجرات است. تردیدی نیست که اعتراضات کارگری در فرانسه در چند ماه آتی حول بخش خدمات عمومی خواهد بود. و مگر میشل روکار در مورد طرح مالیاتی و درآمدهای دولت صد و هشتاد درجه بچرخد، والا بنظر می‌رسد که دولت آماج مناسبی برای ناراضی‌تای تامین کرده است. به نقل از: نشریه گاردین اینترنتال

روزه آوار:

مساله راسیسم در اروپا خیلی جدی شده است



روزه آوار

همکار ما در فرانسه، سارا اصلاتی، گفتگویی داشته با روزه آوار، یکی از مسئولان بخش ساختمان سندیکای ت.ژ.ت. که وابسته به حزب کمونیست فرانسه است. روزه آوار از شرایط سخت کارگران ساختمانی، کار سیاه، شرایط عمومی کارگران در فرانسه و همچنین بازار داخلی اروپا صحبت می کند. بخشهایی از این گفتگو را ملاحظه می کنید:

● کارگر امروز: در بخش ساختمان از کار سیاه زیاد صحبت میشود، بخصوص از کارگران خارجی که بخاطر نداشتن اجازه اقامت و کار مجبورند به کار سیاه تن بدهند. اینکه شهرک المپیک و شبکه راه آهن قطارهای سریع السیر آتلانتیک، یعنی بزرگترین پروژههای ساختمانی فرانسه، با استفاده وسیع از کار سیاه ساخته شده مدت زیادی افکار عمومی را براستی مشغول نمود. می توانی اطلاعات بیشتری در این مورد بدهی؟ همچنین در مورد مواعلی که کار سیاه در شکل کارگران بوجود می آورد.

● روزه آوار: در حال حاضر پنجاهای بسیاری بویژه در بخش ساختمان وجود دارند که کارگران را غیر قانونی و سیاه بکار میکشند. بعضیهاشان از کشورهای عضو جامعه اروپا مثل پرتغال چنین نیروی کاری را تامین می کنند. در کار سیاه موارد مختلف وجود دارد، از کارگرانی که هیچگونه تامین اجتماعی و موقعیت قانونی ندارند و بمعنای واقعی کلمه سیاه کار می کنند تا کارگرانی که اجازه اقامت و اجازه کار معتبر ندارند.

امروز تقریباً هیچ کارگاهی وجود ندارد که از کار این کارگران استفاده نکند. از بزرگترین و معروفترین پنجاهای ساختمانی مثل بویک و هروه گرفته تا شرکتی کوچکتر همشان بخش اعظمی از امورشان را با کار سیاه می چرخانند. در همین نمایشگاه پاریس شرکتی که تامین نظافت را بعهده دارند مستقیماً در محل کارگر را "سیاه" استخدام می کنند. وضعیت کارگرانی که مجبور به کار سیاهند بشدت شکننده و ضربه پذیر است و بهیچوجه قدرت دفاع از خود را ندارند. بهره کشی از نیروی کار آنان هرگونه حد و مرزی را شکسته. در میان آنان از هر نوع ملیتی وجود دارد از جنوب شرقی آسیا گرفته تا شمال آفریقای سیاه. علیرغم این وضعیت ما موفق شده ایم مواردی از مبارزه را سازمان دهیم. مثلاً در شرکت شتل، که اخیراً بمدت دو ماه در حال اعتصاب بود، کارگران از ۱۸ ملیت مختلف اند، ولی این تنوع در عرصه کار سندیکایی مشکلات زیادی را ایجاد نکرده است.

● ک.ا: بخش ساختمان ویژگیهای دیگری هم دارد، از قبیل سختی شرایط کار، فقدان ایمنی کار و بویژه فراوانی سوانح کار. ممکن است کمی راجع به شرایط کار و وضع دستمزدها صحبت کنی.

● ژ.ا: آموزش کارگران روز بروز کمتر می شود، همراه آن سطح عمومی دستمزدها هم روز بروز پایین تر می آید و مزایا و دیگر دریافتی ها هم روز بروز بیشتر با عواملی نظیر کار آبی و بارآوری تعیین می شوند. در حال حاضر مثلاً در پاریس یکی از مشکلات اینست که خانه و محل سکونت مردم روز بروز از شهر دورتر می شود، بسیاری از کارگران ساختمانی ناچارند روزی دو سه ساعت در وسائل نقلیه عمومی تلف کنند تا خود را به محل کار برسانند و در نتیجه بسیار خسته سرکار حاضر می شوند و بعد از پایان کار هم باید همین مدت را صرف بازگشت به

خانهایشان کنند. همین خستگی خود در پیدایش سوانح کار بسیار موثر است. بارآوری هم در این رشته بسیار پائین آمده است. در توافق اخیر در مورد تعیین دستمزدها، که بقول کارفرمایان این بخش یک "ارزش گذاری مجدد" است، عملاً حداقلی کمتر از حداقل رسمی و قانونی دستمزد مقرر شده است. در زمان امضای این توافق توسط بعضی از سندیکاهای رفرمیست در مجموع مبلغ آن بطور ناخالصی و با احتساب بعضی مزایا ۴۸۰۰ فرانک در ماه تعیین شد. دستمزد یک کارگر ماهر امروز حدود ۶۳۰۰ فرانک است. این هم البته بهیچوجه مبلغ ثابتی نیست. مجموعه متنوعی از شرایط کار و دستمزد در بخش ساختمان برقرار است که این خود یکی از ویژگیهای این بخش شمرده می شود. به تخصص های مشابه دستمزدهای برابر تعلق نمی گیرد.

آنچه که امروز می بینیم، عدم ثبات کار و دستمزد بخاطر وجود کار سیاه از یکسو و از سوی دیگر برهم زدن ساختار معمول کارگاههای ساختمانی از طریق تعمیم "شراکت" است. این شراکت یعنی اینکه اداره امور یک کارگاه را پنجاهای متعدد و مختلفی بعهده می گیرند و بر طبق توافقاتی که میان خود انجام می دهند آنرا اداره می کنند. یعنی کارگران با پنجاهای مختلفی طرفند که هر یک بخشهایی از کار را بعهده دارد. این ناهمگونی شرایط کار غیر قابل تحمیلی را بیار می آورد. یکی دیگر از عواملی که اوضاع کارگاههای ساختمانی را چنین وخیم کرده است مقاطعه کاری است

که در این روش کارگران در مقابل کارفرما هیچگونه فایده ای ندارند. این وضعیت حتی در خود اینگونه ما سندیکای فعال و دخیل در یک مبارزه طبقاتی هستیم، علیرغم اینکه توده قابل ملاحظه ای همراه ما است، اما عدم شناخت از آنچه که باید سندیکای درگیر در یک مبارزه طبقاتی را متمایز کند باعث میشود که حتی در صفوف ما جمعیتی فکر کنند که ما هم باید یک "اداره" باشیم. ت.ژ.ت. همیشه مقدم ترین سازمان سندیکایی در پنجاها است. در جریان بسیاری از انتخابات در پنجاها ما با ۸۰ درصد ۹۰ درصد آراء در صف اول قرار داریم. ولی وقتی که به میزان شرکت در سندیکا نگاه می کنیم می بینیم که اهدا با آن ارقام قابل مقایسه نیست. در این زمینه ما کاری جدی داریم که باید انجام دهیم. باید فرهنگ سندیکایی

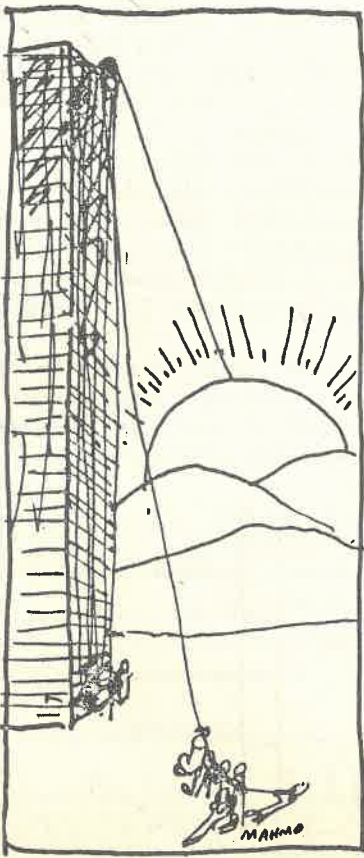
جنبشی حول این مطالبه شکل نگرفته، نظیر آنچه که مثلاً در آلمان اتفاق افتاده است و در اعتصابات و مبارزات تابحال موجود هم بعنوان یک مطالبه خاص مطرح نشده است.

● ژ.ا: درست است. جنبش عمیقی بر سر آن جریان ندارد. در فرانسه امروز موقعیت با بسیاری کشورها مثلاً آلمان تفاوت دارد. اینجا ما تنها سندیکای طبقاتی هستیم و با اینکه کاهش زمان کار در

چه دلالی موجب این دلسردی در کارگران و بریدن آنها از سندیکا شده است؟ ● ژ.ا: در فرانسه دلائل متعددی وجود دارند مثل صنعت زدائی، شکستگی کار، درهم شکستگی و کاهش چشمگیر تمرکزات وسیع در بخشهایی نظیر متالوژی و صنایع سنگین و علاوه بر همه اینها عمل سندیکاهای رفرمیست هم تأثیر بسیار زیادی در این عدم تمایل به شرکت در سندیکا دارد. مثلاً ت.ا.ف.د.ت. (سندیکای وابسته به حزب سوسیالیست فرانسه) سعی می کند که یک سندیکای "اداری" و "نهادی" باقی بماند، کار

اعضاء حق عضویت دادن است و با باقی کارها کار ندارند و کار سندیکا ح. و فصل امور است. اما ت.ژ.ت. یک سندیکای طبقاتی است که اعضا آن بازیگر، دخالتگر و موتور محرک آند.

فضای عمومی هم تاریخاً این ذهنیت را رشد داده است که سندیکا مقوله کهنه شده ایست و دیگر پردر نمی خورد. این ذهنیت را رسانهای عمومی و احزاب سیاسی هم دامن می زنند. باین ترتیب در مورد هر مسئله خاصی اشخاص مسئول با هم مذاکره و مشکلات را حل میکنند و در این میانه دیگر نیازی به سندیکا نیست. سندیکایی که به این شکل تعریف می شود هم هیچگونه فایده ای ندارد. این ذهنیت حتی در خود ت.ژ.ت. هم وجود دارد. علیرغم اینکه ما سندیکای فعال و دخیل در یک مبارزه طبقاتی هستیم، علیرغم اینکه توده قابل ملاحظه ای همراه ما است، اما عدم شناخت از آنچه که باید سندیکای درگیر در یک مبارزه طبقاتی را متمایز کند باعث میشود که حتی در صفوف ما جمعیتی فکر کنند که ما هم باید یک "اداره" باشیم. ت.ژ.ت. همیشه مقدم ترین سازمان سندیکایی در پنجاها است. در جریان بسیاری از انتخابات در پنجاها ما با ۸۰ درصد ۹۰ درصد آراء در صف اول قرار داریم. ولی وقتی که به میزان شرکت در سندیکا نگاه می کنیم می بینیم که اهدا با آن ارقام قابل مقایسه نیست. در این زمینه ما کاری جدی داریم که باید انجام دهیم. باید فرهنگ سندیکایی



دستورمان است، می بینیم که کاری در این مورد صورت نمی گیرد. بقیه سندیکاهای مثل ت.ا.ف.د.ت. هم ظاهراً کاهش زمان کار را می خواهند ولی آنرا همراه با قید و بندهایی از جمله با پذیرش کاهش دستمزد پیش پای کارگران می گذارند. با اینکه در فرانسه مبارزاتی که در درون کارخانجات و پنجاها جریان می یابند خصلت کاملاً تعرضی دارند ولی فعلاً مناسب ترین شرایط برای ضربه بزرگ زدن و طرح مطالبه ۳۵ ساعت کار نیست. بخش ساختمان از این لحاظ خیلی خصلت نما است. ما توانستیم اعتصابات ۶، ۷ و ۸ هفته ای برای بینهادیم مثلاً اعتصابی برای باز

نگرانی بعضی از جوامع کارگری شده است. ● ژ.ا: جدا از هر هدفی که سرمایه از طرح ریزی اروپای واحد، برای خود تعیین کرده باشد مجبور است که شرایط کار را در سرتاسر این جامعه یکدست کند، به نظم واحدی در آورد و فعلاً هم فقط منتظر همین است. می بینیم که یک منشور اجتماعی هم وجود دارد. در همین اروپا کشورهایی هستند که سطح زندگی، بیمه های اجتماعی و دستاوردهای کارگیشان از بقیه بسیار عقب تر است ولی سرمایه و نمایندگان آن مجبورند این منشور اجتماعی را عرضه کنند که خود برای ایندسته کشورها گامی بچلو است، مثلاً برای پرتغال، اسپانیا و یونان. در همین بخش ساختمان منشور اجتماعی برای کارگران پرتغالی ۴ هفته مرخصی در سال به علاوه مزایای دیگر به همراه آورده است. بر متن همین تنوع شرایط هم ممکن است که سندیکاهایی مثلاً در فرانسه، اسپانیا و غیره که هدف خود را دفاع از منافع کارگران قرار داده اند عضو این پیمان اجتماعی شوند. برای ما شکی نیست که امروز با استفاده از امکاناتی که تکامل تکنولوژی و علوم به ارمان آورده است، یکدست کردن وحتى بهبود بخشیدن شرایط کار کاملاً عملی است. ایده اروپای واحد هر روز بیشتر دارد عملی می شود. اصلاً اروپای ۹۲ امروز اینجا حی و حاضر است. با همه مشکلاتش خیلی از پنجاها امروز منتظر سال ۹۲ نشده اند. مثلاً در همین بخش ساختمان، اروپا کارگران مهاجر را در رقابت با کارگرانی که از کشورهای جامعه اروپا می آیند قرار داده است. برای کار یکسان بیمه های اجتماعی و دستمزدها نابرابرند.

امروز مسئله راسیسم در اروپا خیلی جدی شده است، در همین سطح صنعتی و حرفه ای کارگران آفریقایی یا آسیایی در سلسله مراتب کار جایشان ثابت است به این بهانه که اطلاعات، دانش و تخصص لازم را ندارند و زبان خوب بلد نیستند. در حالیکه کارگران مهاجری که از کشورهای اروپایی می آیند از لحاظ دانش و تخصص و آشنایی با زبان مزیتی بر آنها ندارند اما امکان تغییر مکان و ترقی در سلسله مراتب شغلی برایشان وجود دارد. در همان زمانی که مرزها گشوده می شوند شاهدیم که چگونه یک برنامه وسیع طرد و تحریم اجرا می شود. بهرحال نمایندگان سرمایه و کارفرمایان اینجا هم بخت خود را می آزمایشند و همه تلاشهایشان برای اینست که هر چه ممکن است بیشتر پول به جیب بزنند

روشن است که ما در این موارد ساکت نمی نشینیم و سعی می کنیم که از طریق بنیاد گذاشتن یک ساختار با اینها مبارزه کنیم. این ساختار هنوز وجود ندارد اما امکان تاسیس آن موجود است. این هم ممکن است که با سازمانهای سندیکایی دیگر در اروپا که با ما نقاط مشترکی دارند پیوندهایی بوجود آوریم اما در حال هويت خود را از دست نخواهیم داد

و وحدت صوری هدفمان نیست. همانطور که گفتیم سرمایه و نمایندگانش نمی توانند هر چه از اروپا بخواهند بدست آورند و مشکلات زیادی سرراشان هست و فکر می کنم که پیروزیهای را نمی توانند فردا جشن بگیرند. ما با روندی طولانی روبروئیم که طی آن همه چیز دائماً تغییر و تحول می یابد و رادیکالیزه شدن مبارزه از پائین جزو این تحولات و بسیار محتمل است. مثلاً به موسسه شتل نگاه کنیم که در حال حاضر اعتصاب در آن جریان دارد. این شرکت میخواهد با هدف و افق اروپایی خود را بازسازی کند، با تغییر سیاست سرمایه گذاری خود، با گسترش شعبات که این موجب بیکارسازی وسیعی میگردد و بدنبال خود مبارزه و اعتصاب را پیش می آورد. خلاصه اینکه امروز انتخابی در کار است و در این انتخاب برای همه کس جا نیست. آینده نشان خواهد داد که برنده نهایی کیست.

● ک.ا: ممنون از اینکه وقت را در اختیار ما گذاشتی. □

با ما مثل بردگان رفتار می کنند

کارگر اعتصابی شرکت شتل شرایط کار کارگران ساختمانی در فرانسه را بطور تکان دهنده ای تصویر می کند:

"من میخواهم کسی پیدا شود و برایم توضیح دهد که موسسه ای که هیچگاه مشکل مالی نداشته است چگونه می تواند اعلام ورشکستگی کند. در این میان با ما مثل بردگان رفتار شده است. وقتی دیگر احتیاجی به ما ندارند بیرونمان می اندازند، ما هفت روز هفته را کار می کنیم. شنبه، یکشنبه و تعطیلات رسمی. پیش می آید که هفتهها از خانه و زندگیمان دور باشیم و در کارگاههای دور دست کار کنیم. کم پیش نمی آید که از ساعت ۷ صبح تا نیمه شب یا حتی تا یک صبح در کارگاه باشیم و پیش آمده است که از ساعت ۷ صبح تا ۹ صبح روز بعد تنها با یکساعت توقف کار برای ناهار کار کنیم، هر وقت هم اعتراض می کنیم جوابمان اینست: شما همیشه می توانید جای دیگری دنبال کار بگردید. ایمنی و بهداشت برایمان وجود ندارد و دستمزدمان بدون اضافه کاری ۵۵۰۰ فرانک در ماه است... آنها حق ندارند که با مردم اینطور رفتار کنند. این همه حق کشی را با کمک دولت زیر سیبیلی در می کنند. ما منتظریم که اول ماه مه برسد تا نشان دهیم که نخواهیم گذاشت هر چه می خواهند بر سرمان بیاورند"

گرداندن کارگران اخراجی بر سر کار در محل ساختمان ابرای جدید در باستیل داشتیم که ۶ ماه طول کشید. پیش بردن چنین اعتصاب بزرگی اراده فوق العاده ای را ایجاب می کند. ولی این همه باعث نمی شود که برای کاهش ساعات کار با اینکه در دستور است عوامل لازم گرد آیند.

● ک.ا: مدت زیادی به تحقق آنچه که به آن اروپای واحد می گویند نمانده است. این اروپا چه تأثیری بر وضعیت عمومی کارگران در سطح کشورهای مختلف عضو جامعه دارد؟ با این تفاوتها چشمگیری که در سطح دستاوردها و شرایط کار و حتی شکل در کشورهای مختلف این جامعه وجود دارد چگونه و چه سطح مشترکی را می توان تصور کرد؟ اینها امروز موجب

را بازسازی کنیم. چون با ناپدید شدن مجتمع های بزرگ صنعتی، شغلی سندیکا هم ناپدید می شود. به نظر من علاوه بر اینها نوعی فردگرایی را هم در این جامعه حاکم کرده اند و آنچه از همبستگی باقی مانده اثر چشمگیری در کار دسته جمعی ندارد و اینهم از سوی دیگری باعث می شود که ما پیشروی نکنیم.

● ک.ا: مدت هست که مطالبه ۳۵ ساعت کار در هفته و کلاً کاهش ساعات کار توسط کارگران، بسیاری از کشورهای اروپایی را فرا گرفته ولی فرانسه این ریتم را دنبال نمی کند. فکر می کنی علت آن چیست؟ ● ژ.ا: کاهش زمان کار همیشه در دستور ما بوده است. ● ک.ا: منظورم اینست که هیچ

که دیگر حد و مرزی نمی شناسد. یک پنجاه بزرگ قرار داد را می برد و آنرا به پنجاه کوچکتی مقاطعه می دهد و این یکی به توبه خود آنرا به یکی دیگر مقاطعه میدهد. نتیجه این می شود که در بعضی از کارگاهها کارگران نمی دانند برای چه کسی دارند کار می کنند.

● ک.ا: اگر موافق باشی به مسائل عمومی تر بپردازیم. آنچه که امروز در غرب مشاهده می شود کاهش روز افزون تمایل کارگران به عضویت در سندیکاهای موجود است. و این در فرانسه از همه جا چشمگیر تر است. تا جاییکه من اطلاع دارم امروز نرخ عضویت در سندیکاهای فرانسه به کمتر از ۱۱ درصد کل جمعیت شاغل رسیده است. بنظر تو

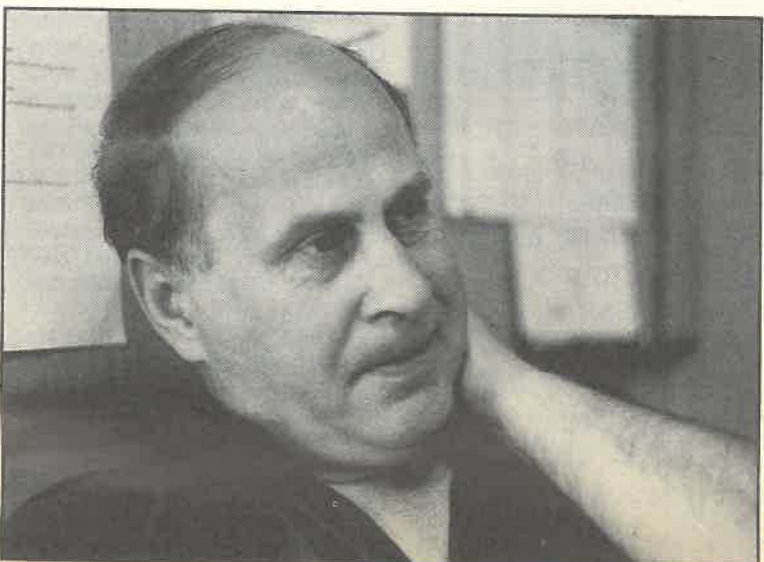
اوکه ویکلوند :

اتحاد بین المللی کارگران امر عاجلی است

"اوکه ویکلوند" کارگر و نماینده کارگران کارخانه "ساب اسکانیا" واقع در شهر "فالون" یکی از فعالین پرسابقه و سرشناس جنبش کارگری سوئد است. وی که بنیانگذار جنبش "دالا" (جنبش اپوزیسیون درون "ال.او"، اتحادیه سراسری کارگران سوئد) است در اوائل سال جاری به اتفاق بخشی از فعالین جنبش کارگری سوئد ضمن انشعاب از حزب سوسیال دمکرات حزب جدیدی به نام "آرتار لیستان" (لیست کارگری) ایجاد کردند. همکاران ما مصطفی صابر و بهزاد بارخدایی گفتگوهایی را با "اوکه ویکلوند" و دو تن دیگر از رهبران این حزب "لارش کارلسون" و "شل آریکسون" ترتیب دادند که طی چند شماره کارگزار امروز آنها را خواهید خواند.

● کارگزار امروز: حزب "آرتار لیستان" چرا و چگونه از دل سوسیال دمکراسی بیرون آمد؟
 ● اوکه ویکلوند: به این علت که سوسیال دمکراتها قادر نیستند که یک حزب کارگری باشند و واقعا کارگران را نمایندگی کنند.
 ● ک.ا: تمایز خودتان را با سوسیال دمکراتها در چه می دانید؟
 ● اوکه ویکلوند: ما می گوئیم این خود کارگران هستند که باید خواستههایشان را مطرح کنند و تصمیم بگیرند. امروز ما نمایندگانی داریم که در اوضاعی بیگانه از ما زندگی می کنند و نمی توانند ما را نمایندگی کنند.
 ● ک.ا: حزب شما چه خواستههایی برای کارگران دارد؟
 ● اوکه ویکلوند: خواست ما اینست که کارگران سوئد بتوانند از پس هزینههای تخریب و مسکن و زندگی برآیند. این اولین نکته. ما همچنین خواهان توزیع عادلانه ثروت هستیم. سوئد علیرغم هر چیز یک کشور ثروتمند است و همه ما باید بتوانیم از یک زندگی درست و حسابی برخوردار باشیم.
 ● ک.ا: اینها به جای خود. اما آیا شما فقط همین خواستهها را دارید؟
 ● اوکه ویکلوند: نه، طبعا نه. ما خودمان را در تمام مسائل دخیل خواهیم کرد نظیر توزیع ثروت، مسائل مربوط به پناهندگی، بازار مشترک و غیره.
 ● ک.ا: در مورد خواستههای مشخصی نظیر ۳۵ ساعت کار در هفته چه می گوئید؟
 ● اوکه ویکلوند: بدیهی است که ما خواهان کوتاه شدن ساعات کار هستیم. کوتاهترین ساعات کار! ۳۵ ساعت کار در هفته هدفی است که باید در جهت آن حرکت کرد.
 ● ک.ا: برای ۳۵ ساعت کار حزب شما چه برنامه معینی دارد؟
 ● اوکه ویکلوند: در حال حاضر برنامه‌ای نداریم. حرف ما اینست که این امکان همین امروز هست که هفته کار به ۳۵ ساعت کاهش پیدا بکند. این در کوتاه مدت ممکن است و برنامه دراز مدتی برای آن لازم نیست.
 ● ک.ا: آرتار لیستان در چه بخشهایی از کارگران سوئد نفوذ دارد و کلا از چه موقعیت و نفوذی برخوردار است؟
 ● اوکه ویکلوند: کارگران معمولی در کارخانهها در آرتار لیستان هستند. آنجاست که ما قوی هستیم و صدایمان را به گوش مردم خواهیم رساند. ما تلویزیون و روزنامه نداریم، اما در کارخانهها حضور داریم. کارگران با حرفه‌های متفاوت، از کارگر بیمارستان گرفته تا کارگر صنعتی و تا کارگران حرفه‌های سنتی در حزب آرتار لیستان هستند. ما نفوذ بسیار بیشتری از آنچه امروز داریم خواهیم داشت، زیرا بر سوسیال دمکراتها منظم‌ا تاثیر می گذاریم. تا همینجا هم از طریق آرتار لیستان و "جنبش دالا" بر آنها تاثیر داشته‌ایم. با اینهمه دشوار است میزان دقیق نفوذمان را اندازه گرفت.
 ● ک.ا: رابطه حزبتان با جنبش دالا چیست؟

مزد در پیش می گیرند که اعتصاب را اجتناب ناپذیر می کند. در مورد اقدامات هم ما دائما مشغول کاریم. چندین تظاهرات در مورد مسائل مختلف داشته‌ایم. قرار است با تعدادی از انجمنها درباره مبارزه علیه راسیسم جلسه داشته باشیم. ما نوشته‌های مختلفی درباره مسکن و قیمت سرسام آور اجاره خانه و غیره در دست تهیه داریم.
 ● ک.ا: فکر نمی کنید که حزب آرتار لیستان جنبه‌های قوی پارلمانتاریستی دارد؟
 ● اوکه ویکلوند: مساله مهم این است که آدم به هدف برسد. هدفی که به نفع کارگران است. مساله این نیست که من یا کس دیگری به پارلمان راه پیدا کند. این یکی کاملا علی‌السویه است.
 ● ک.ا: بنظر می رسد که در حزب آرتار لیستان جناحهای مختلفی وجود دارد، اختلاف نظرها بر سر چیست و شما خود را متعلق به کدام جناح می دانید؟
 ● اوکه ویکلوند: من در مورد اینکه



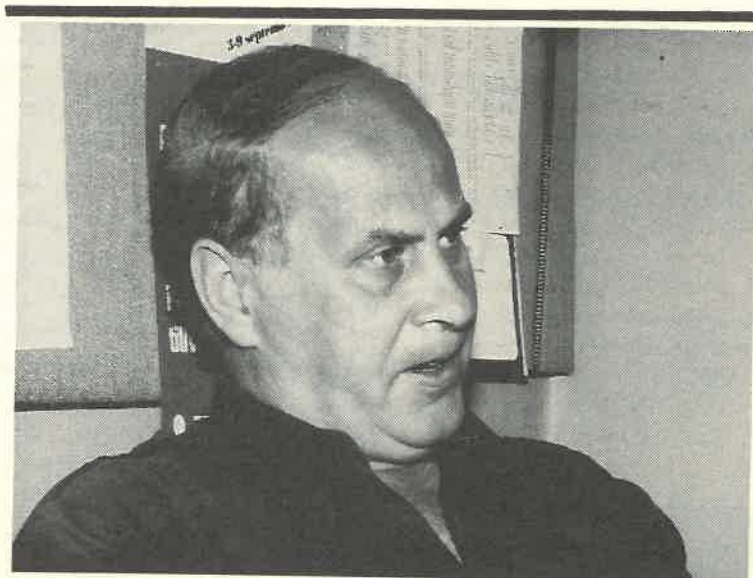
اوکه ویکلوند یکی از رهبران حزب آرتار لیستان سوئد

تولید ثروت به چه طریقی باشد کمی ابهام دارم. فکر نمی کنم که ما از سیستم برنامه ریزی شده باید پیروی کنیم. مالکیت هم یک مساله دشوار است. چقدر مجازیم مالکیت داشته باشیم؟ خط را کجا باید کشید؟ این سوال در مورد کشاورزی هم صادق است. اما در مورد توزیع ثروت هیچ اختلاف نظری وجود ندارد. همینطور در مورد سیاست پناهنده پذیری، بعنوان سوسیالیستها ما در اکثر موارد هم نظریم. آنچه که تازه است همان مساله است که پول (ثروت) چگونه بدست می آید؟ اختلاف نظرهای بزرگ در اینجا می تواند وجود داشته باشد.
 ● ک.ا: آیا این اختلاف نظرها به صورت خطوط مجزا خود را تعریف کرده‌اند؟
 ● اوکه ویکلوند: دارم کلی صحبت می کنم. ما فراكسیونهایی داریم که از احزاب مختلف آمده‌اند. از کمونیستها تا فرقه‌های مختلف چپ. اگر آنها نتوانند حرفشان را بزنند و نتوانند خواستههایشان را مطرح کنند، آنوقت حزب جدیدی نخواهیم داشت. ما نمی توانیم کسی را بیرون کنیم چون این حزبی دمکراتیک است. اگر قرار باشد حزبمان را به یک فرقه منزوی - که در گذشته بوده‌اند - تبدیل کنیم، آنوقت باید در آنرا ببندیم. من هیچ علاقه‌ای به چنین چیزی ندارم. ما متعصب نیستیم، آدمهای معمولی هستیم.
 ● ک.ا: با توجه به ادغام اروپا در آینده‌ای نزدیک، از نظر شما کارگران باید چکار کنند؟
 ● اوکه ویکلوند: قبل از هر چیز باید بگویم ما طرفدار بازار مشترک در این شکلش نیستیم. بازار مشترک از طرف سرمایه‌داران ساخته می شود که بتوانند نیروی کار هر طور می خواهند استثمار کنند. پاسخ طبیعی ما علیه آن اینست که کارگران همه کشورها باهم همکاری کنند. ما باید در جنبش کارگری با یک زبان مشترک سخن بگوئیم تا بتوانیم تاثیری داشته

باشیم. در غیر اینصورت وضع جالبی نخواهیم داشت.
 اتحاد و همکاری بین‌المللی امر بسیار عاجلی است. ما کارگران همیشه از سرمایه‌داران عقب بوده‌ایم. ما باید بسیار زودتر از اینها شروع می کردیم. گرچه با وجود شرایط بسیار دشوارتر کارگران برای همبستگی بین‌المللی، کارگران همکاریهای معینی باهم داشته‌اند. کارگران برای اینکه بتوانند دور جمع بشوند همیشه مشکل مالی داشته‌اند.
 ● ک.ا: با تحولاتی که در اروپای شرقی پیش آمده، خیلی ها چشم به مدل سوسیال دمکراسی اسکاندیناوی دوخته‌اند. شما چه می گوئید؟
 ● اوکه ویکلوند: سوسیال دمکراتها از صد سال پیش شروع کردند. آنها جهت گیریهای بسیار خوبی داشتند و به شیوه خوبی کار کردند. اما آنها از آنچه که قبلا بودند، دور شده‌اند. کسان دیگری با ارزشهای دیگری آمده‌اند. بویژه در ۲۰ - ۳۰ سال اخیر سرمایه را زیر پر و بال خود گرفته‌اند و کشور را بر پایه یک

انجام نداده است. این هیچ بدیلی نمی تواند باشد. من می فهمم که بعثت آنچه که بر سر سوسیالیسم آورده‌اند مردم اروپای شرقی از سوسیالیسم بترسند. اما هیچ راه واقعی دیگری وجود ندارد.
 ● ک.ا: بله ولی از سوسیالیسم تعبیرهای مختلفی هست. مثلا سوسیال دمکراسی، سوسیالیسم نوع روسی و سوسیالیسمی که کارگران خواسته‌اند و مارکس نماینده آن بوده‌است. خود شما چگونه فکر می کنید؟
 ● اوکه ویکلوند: برای من سوسیالیسم دقیقا آن چیزی است که احساسش می کنم. کسی نمی تواند آنرا به من القا کند. ارزشی است که طبقه کارگر با آن زاده می شود. اصول بنیادی هم دارد. مثلا توزیع عادلانه ثروت. اما سوسیالیسم کارگران عادی در کارخانهها خیلی فرق دارد با آنها که بالا نشسته‌اند. سوسیالیسمی که من از آن صحبت می کنم سوسیالیسم همین آدمهای اینجا (کارخانه) است که هیچوقت هم کمونیست و یا سوسیال دمکرات نبوده‌اند. اما آنها عقل دارند و می بینند که مثلا در این ده پانزده ساله توزیع ثروت در سوئد نابرابر بوده است. و بهیچ وجه این دولتی که ثروت را به جیب کسانی سرازیر می کند که فی‌الحال پولهای هنگفتی دارند، نمی تواند سوسیالیستی باشد.
 ● ک.ا: شما از توزیع عادلانه ثروت صحبت می کنید، اما چگونه؟ آیا می شود بدون دست بردن در تولید، توزیع ثروت را عادلانه کرد؟
 ● اوکه ویکلوند: بله، می شود ثروت را عادلانه توزیع کرد بدون اینکه پروسه تولید را عوض کرد. وقتی پول تولید شد مساله تقسیم آنست. همانطور که آمال ماست که یک اتحادیه کارگری داشته باشیم، که سر پا باشد و در اداره امور تا حدی دخالت کند، اگر یک دولت کارگری داشته باشیم که نحوه توزیع را سروسامان بدهد، آنوقت تغییر سیاست توزیع ممکن خواهد شد. اما اگر کسی نباشد که این کار را بکند سیاست توزیع خوبی نخواهیم داشت.
 ● ک.ا: ولی واقعیت اینست که اگر تولید جامعه در دست اقلیتی باشد هر کاری هم که برای توزیع بکنید دست آخر این تولید و حاکمان آن هستند که تعیین کننده‌اند. البته اصلاحات ممکن است، اما تغییر جدی نمی توان بوجود آورد.
 ● اوکه ویکلوند: وقتی از من پرسیدید که بدون دست بردن در تولید می شود توزیع را تغییر داد، گفتم آری. اما در عین حال می گویم که لازم است که اداره امور را تغییر داد. حتی اگر مالکیت کاملا در دست ما نباشد، ما باید در تصمیم گیری سهم باشیم. حتی امروز و با وضعیت حاضر هم مقدار زیادی را می شود توزیع کرد که نکرده‌اند. و برای این لازم نیست که اداره امور را تغییر کند. دولت و اتحادیه می توانند بر نحوه توزیع تاثیر بگذارند. در دراز مدت برای اینکه تغییر پایداری بوجود بیاید، باید شیوه اداره امور را تغییر داد، یعنی مالکیت بیشتری برای خود کارگران وجود داشته باشد.
 ● ک.ا: از مالکیت گفتید، آیا حزب شما برنامه مشخصی برای مالکیت در جامعه دارد؟
 ● اوکه ویکلوند: ما همین الان مشغول تهیه چنین برنامه‌ای هستیم. مالکیت صنعت یک مساله جدی است. امروز صنعت در اختیار صاحبان سهام آن است. چرا اینها نمی توانند کارشان را بکنند وقتی صنعت متعلق به مردم می شود؟ چگونه می توان مدیر و مهندس را وادار کرد همان تلاشی را که اکنون می کند وقتی هم که مالکیت در دست مردم است، به خرج دهد. وقتی که کارخانه دیگر یک شرکت سهامی بورژوازی نیست، آنها حقوق خود را دریافت خواهند کرد. باید کاری کرد که آدمهای ماهر در صنعت باقی بمانند. برای ساختن ماشین سوسیالیست بودن کافی نیست. باید کاری کرد آدمها کار کنند بدون اینکه سهامداری در کار باشد که اداره امور در دستش است. □

Ake Wiklund, from Arbetarlistan in Sweden in interview with WT: Social Democrats cannot live up to being a workers' party



WT: How and why did the Workers' List develop from within Social Democracy?

AW: The Workers' List has been formed because the Social Democrats cannot live up to being a workers' party; they can't represent us in a proper way.

WT: In what way is your party different from the Social Democrats?

AW: Our difference is that we say it should be workers themselves who should decide and put forward demands based on their own real conditions. Today we have representatives who live under totally different circumstances and who, therefore, cannot really represent us.

WT: What are the demands that your party calls for?

AW: Our first demand is that the workers should have the possibility of a decent life. We want a more just distribution of wealth. We must remember that after all Sweden is a rich country where it is possible to guarantee a decent life for everyone.

We shall engage in all questions; the question of wealth distribution, the issue of immigrants, etc.

WT: How do you see issues such as a 35-hour week?

AW: We are for a shortening of working hours; they should be reduced as much as it is possible. A 35-hour week is an objective to aim for.

WT: What specific programme does your party have for a 35-hour week?

AW: Up to now we have had no programme. But we believe that it is possible to cut the hours to 35 today. You don't need to make long-term planning. There is room for it now.

WT: Among which sections of Swedish workers does the Workers' List have its influence? How strong is your influence?

AW: It is precisely those on the shopfloor who are in the Workers' List; it is there that we are strong, and it is there we will put out our message. We have no TV programme or newspaper of our own, but we are in the workplaces. Those who are in the Workers' List are workers of all kinds: from hospital workers to industrial workers.

We are going to have a much wider influence than what we have today. We have had an influence both through the Workers' List and the Dala movement. But it is not possible to measure this influence.

WT: What is the relation between your party and the Dala movement?

AW: The Dala movement was an expression through the union. It was a pressure on the trade union in the first place. There you could have whatever political viewpoints that you had. The only condition was that you strived for the same goal. We had this consensus in Dala on labour issues.

The Dala movement is still there. They work at contract times and so on. But many are in both Dala and in the Workers' List.

Ake Wiklund, wellknown union activist in the Swedish labour movement, is the founder of the rank and file Dala movement (Dalauppropet). In early 1990, Ake Wiklund and a section of labour activists left the ruling Social Democrats to found a new party called Arbetarlistan (Workers' List).

Mostafa Saaber and Behzad Barkhodaee, *Worker Today* co-workers, talked to Ake Wiklund about the new party and some current world issues.

The coming issues of *Worker Today* will feature interviews with two other leading activists from the Workers' List, Kjell Eriksson and Lars Karlsson. These interviews could not be published in this issue for reasons of space.

WT: Tell us about your relationship with the unions in Sweden.

AW: We are members of the LO [the Swedish trade union federation]. We have the party - the Workers' List - where we work on the legislative side to bring about changes, such as a 35-hour week, improved holiday laws, etc. And we have the LO. We have not thought of starting a new trade union; there is no reason for that. But there is all reason to change the LO.

WT: Sometime ago the Social Democratic government tried to ban strikes and apply a wage freeze. The LO leadership backed the move. What is your view on this matter?

AW: It is clear that the Social Democratic government is intending to take away the right to strike. Even the LO leader, and the leaders of all LO member-unions support this. It is at such a time that you have to ask where we are really heading. They want to take away our perhaps most

After Socialism has been brought down, the right throughout the world gets a chance to consolidate itself. We can already see these trends, and this is very worrying. It is after such events that racism raises its head. At such a time we must come forward with something new and say what socialism really is.

important legal weapon.

WT: What did your party do about this and what is it going to do in future?

AW: We have to have such laws and regulations that people don't end up in a situation where they can't represent the people that they are supposed to represent. For example, a union representative should be elected only for a maximum of six

years; there should be limitations on the number of terms you stand candidate for the parliament.

WT: These actions have not stopped. For example, only recently Saab-Scania workers were tried and convicted for wildcat strikes. What did your party do in this specific case and what will do in the face of the increasing attacks?

AW: We are on the side of the workers. Obviously in such a situation we would support a strike. A strike does not occur because of workers. It takes place because the employers follow a wage policy that forces people to strike.

We are acting all the time. We hold demonstrations around various issues. In the near future we are going to have a meeting against racism together with many other organisations. We have prepared material on such issues as housing, the rent question, and so on. We are engaged in such work constantly.

WT: There seems to be different factions in the Workers' List. Could you tell us about their differences, and which faction are you close to?

AW: I am a little doubtful about how the production of wealth will take place. It is not certain that we go for planned economy. The question of ownership is also awkward. How much should one own? Where will the line be drawn? This applies even to agriculture. There can be large

differences of opinion here. But we certainly have no divided opinion on the question of distribution of wealth. As socialists we often have the same views.

WT: Have these differences developed into clear-cut lines?

AW: I am talking in general terms. We have fractions who have come from other parties - from communist to left groups. If these people can't get a response for their views, then you have not built a really new party. We can't throw people out, for this is a democratic party. If the party is going to turn into another old sect, which have existed before, then we will shut it down. Then it won't be something new.

WT: The European integration is not far away. How, in your view, should the workers respond to this?

AW: I shall first talk about the European Community. We are not for EC in that form. The EC is being built by capitalists so that they can exploit the workforce as they wish. The natural response to this should be that we, from various countries, work together, speak the same language in the labour movement, so that we can influence the course of events. This means starting co-operation in different forms - in Italy, in France or in Iran for example - between forces such as the Workers' List. Otherwise we will come off rather badly in this fight.

In international work we are always lagging behind the capitalists. We should have started much earlier. But although workers have always had it harder than capital, there already exists in fact some degree of international co-operation. It is always a question of funds, i.e. being able to finance preparation of meetings, etc.

WT: In view of what has happened in Eastern Europe, many are looking to Scandinavian Social Democracy. What do you think about this?

AW: The Social Democrats began more than one hundred years ago. They have had a good orientation and managed it very well. But then they grew away from what they were initially; other people came with other values. Particularly in the past 20 to 30 years they have kept capital under their arms. They have managed the country on a capitalist economic basis.

In Sweden, we have had up to now a better distribution policy than most other countries. We are going to build anew what the pioneer Social Democrats began.

WT: What do you have to say to the East European workers who are shown the Swedish example? What future do you think is in store for them?

AW: The East bloc countries should turn to something new. The alternative is not capitalism; it is not the [official] parties in Sweden. If you have to choose between four bad things then you choose the least bad!

How can you make sure that a social democratic policy does not degenerate and become capitalist? In the Workers' List we will have such a set-up that there will no possibility of things going that way. People should not go to parliament because they are paid higher there. You should only go because of your ideology.

WT: There was a time when the labour movement offered an overall alternative for society - workers' revolution, equality, ... But we see today that the labour movement, unlike the early twentieth century, is not organised around such objectives. What perspective has your party put before itself?

AW: There is no doubt that socialism or socialism are not in any way dead. But they have been misused by communists. It is not communism or socialism that is bad. The alternative is definitely not capitalism - it has done nothing but oppress people for centuries. I can understand when people in the East European countries become afraid of socialism. But there is no other real way out but socialism.

WT: But there are different interpretations of socialism. For example, Social Democracy, Russian-type socialism, and the socialism which workers wanted and which Marx represented.

AW: For me socialism is precisely what I feel. No body can describe it to me. It is something that a worker is, as it were, born with. It has basic principles, such as a just policy of wealth distribution. ... It can look very different from person to person. In my opinion, it looks very different with the ordinary workers on the shopfloor than it does with people sitting high up. The socialism that I am talking about is what these people here express. They have never been Communists or Social Democrats, but they have common sense to think and see this unjust distribution policy which we have had in Sweden in the last 10 to 15 years. You can hardly call it a socialist government that channels money to the rich. Enormous sums are given precisely to those who already have a lot. This is no socialist politics.

WT: You talk of a just distribution of wealth. But is this possible without changing production?

AW: I think one can change the system of [wealth] distribution without going in and changing the way production is run. After you produce something, then the question is how to distribute it. Then if you have a union which intervenes in matters, if you have a workers' government which can see over this distribution, then it would be enough. Otherwise, the result will be a distorted distribution policy.

WT: But as long as production is owned by a few, whatever you may do with distribution, it is in the end those who control production that will determine things. Of course, you will be able to make reforms, but you won't bring about fundamental changes.

AW: In answer to your earlier question, "Is it possible to change distribution without changing the production", I said yes, it is possible. But I also say that it is necessary to go in and change the way things are run. As I said before, even if we don't have full ownership, we have to be there and have a say. Already there is a lot that could be distributed and which they fail to do. The government and the unions should do this. But in the long-term we have to change the production; simply, more ownership for the workers themselves.

WT: Racism is today on the rise in Europe, including in Sweden. How do you see this question, and does your party have a programme in this connection?

AW: This is among our most important questions. It is included in our programme. Once they have brought down socialism, the right throughout the world gets a chance to consolidate itself. We can already see these trends, and this is very worrying. It is after such events that racism raises its head. At such a time we must come forward with something new and say what socialism really is. □

May Day is an internationalist tradition!

Majed Ebrahimi, labour activist from Iranian Kurdistan, talks to Worker Today

Majed Ebrahimi (pseudonym) is a labour activist from Iranian Kurdistan. His real name and the history of his activity in the labour movement is not published here for security reasons. Mostafa Saaber, *Worker Today* co-worker, arranged an interview with Ebrahim Majedi on various issues concerning the labour movement in Kurdistan. Excerpts:

WT: What are the workers' most urgent demands in Kurdistan?

ME: Wage increases is the workers' main demand. Unemployment insurance and the shorter working hours are others. At the moment widespread - though dispersed - struggles are going on for pay rises and reduction in working time.

WT: In the May Day rallies resolutions have been passed containing workers' demands. Which sections of the workers do these demands concern most?

ME: The demands in these resolutions are those of all workers in Iran. They are class demands. The fact that certain workers have not been able to participate in those rallies, or have not even seen the resolutions, makes no difference. They are still the demands of all workers in Kurdistan and all over Iran.

WT: In those resolutions you have called, for example, for 40-hour working weeks, ...

ME: Yes. The demand for a 40-hour week has been widely raised among the workers in Iran since 1978. The fact that this has not been won yet, and that in most sectors, like construction and small workshops, they still have to work 11 hours a day, is

a result of our weakness, i.e. the fact that we do not have permanent organisations. But the protest against the long hours has always existed.

WT: Do you think it is correct to raise the demand for a 35-hour week at this moment?

ME: Yes. I think it is. Many may object that we have not yet won the 40-hour week, and so it is not feasible to go for 35 now. But as far as the workers of Sanandaj [the main city in Iranian Kurdistan] are concerned, the call for a 35-hour work week is completely relevant among the advanced workers. We have talked about it in our First of May rallies. In Europe they are getting a 35-hour week, and we should not be satisfied even with a 40-hour week.

WT: Tell us about the labour organisations in Sanandaj.

ME: There are already official unions among workers of various trades. Some have been around for a long time, like the bakers union which was set up in 1963. But they have not been very effective in influencing the workers' conditions. This is because they are under the influence of the Labour Office and the workers have no participation in them.

In some factories workers' councils were formed, lasting until 1982, 83. They were effective to some extent. They held regular general assemblies and waged successful struggles in some areas such as resisting payments imposed by the government for the war effort and against being dispatched to the war fronts. But at the moment there exists a serious vacuum of labour organisations.

WT: What has been done so far to fill this vacuum?

ME: A few days before May Day 1986, a number of workers from

various trades such as carpenters, mechanics, electricians, tailors, construction workers, ... etc, got together and decided to build an organisation, independent both of the Labour Office and the government, and which all workers, even the unemployed, would be able to join. After a few mass meetings we contacted the Labour Office. They said that our union would be recognised only on the condition that the Labour Office had a say in it. We did not accept this. So a union was built unofficially, called *Sana'tgar* [The Industrialist]. In its first few months it had a membership of 250. At a later stage this reached 400. We had weekly general meetings. The union did some practical things, too, like insuring workers of small workshops, and enforcing a shorter working week in some workplaces. It was an important basis for holding the May Day meetings. It was dissolved in 1988 by the government.

WT: What other factors, apart from government repression, do you think contributed to the dissolution of the union?

ME: The union did not pay due attention to workers' economic demands; this discouraged the members. On the other hand, the employers kept pressing the Labour Office that the union was a nuisance. So the Labour Office sabotaged our work. The union did not succeed in forming links with official unions which it considered as yellow and state-influenced. There were also different trends in it. For example there were those who believed that we should act within the law. Some others said that the union should be exclusive to one trade. But the majority disagreed. Our active role in organising the First of May meetings had aroused much concern in the Labour Office and other government organs. I was involved in all the

activities of the union, and, for my part, I can say that we were very inexperienced.

In the autumn of 1987 serious threats began to be issued by the Labour Office.

The union was finally closed down after the 1988 First of May events.

WT: Has the Islamic Republic succeeded in establishing Islamic Councils in Sanandaj?

ME: No. They tried to do this a few times in some factories, but did not succeed. The workers have not allowed them to set up these organs.

WT: How were the First of May rallies in fact organised?

ME: A few months before every First of May, an organising body, made up of workers from different industries as well as from various trades, would be formed to prepare for the rallies over these months.

WT: Did you have contacts with workers in other cities in Kurdistan?

ME: Some steps were taken towards this. The *Sana'tgar* union also worked in this direction. But the contacts were not yet strong enough.

WT: What, in your view, are the achievements of the First of May meetings up to now?

ME: May Day is an internationalist tradition, and has become popular among the workers. This is very important. These rallies have helped to strengthen the tradition of class struggle. The relations among the workers have grown closer; many have got to know each other. Many workers have become trained in promoting the class struggle. People now seriously count on workers' power. They see that on the day of their international celebration, workers forcibly get hold of a gathering place, hold their rally under the nose of the government, pass resolutions and distribute their resolutions widely. Before 1980-1981, there was very little talk of Labour Day. Now it is on everyone's lips.

WT: What tendencies exist among the workers?

ME: Among the workers of Kurdistan that I know of, sympathy towards communism is very much stronger than other tendencies. This can be seen in the widespread support for Komala [Kurdistan section of the Communist party of Iran], it can be seen in the workers' resolutions and demands, and in their activities. For example, the resolutions are not concerned only with a specific trade; they are not limited to Kurdistan or Iran. They contain workers' class and international demands. They are socialist resolutions, which only a communist current could put forward.

There are other - though very weak - tendencies. For instance a conservative trend which tries to obstruct the work of radical workers and advocates compromise with the government. ...

WT: As my final question, let me ask you about the repression against workers under the Islamic Republic. Tell us also about Jamal Cheragh-Vaissy who was executed last year.

ME: The Islamic Republic has begun a wave of detention of workers in Sanandaj since 1987. It has thrown workers in gaol, has executed them and has established military clamp-downs in order to stop the workers' actions. The execution of Jamal was only one such crime of the government against the workers.

I used to know Jamal from the *Sana'tgar* union and during his work in connection with a workers' fund, from 1986. In the 1987 May Day meeting he was member of the rally's security, and the following year he worked closely with the meeting's organising committee. In 1989 he was a speaker at the rally, where he talked about unemployment benefit and working hours. He was arrested a few days after this meeting and was executed a few months later. Jamal was executed because he was a worker who had protested against capitalism and exploitation. My message to workers all over the world is to condemn and protest against this crime of the government in Iran. □

From Page 12

Palestinian workers ...

union dues, they are not permitted by the Histadrut or by the Israeli government to vote in the Histadrut elections or have the right to full representation. The Histadrut claims that these workers are allowed to join the local Histadrut workers' committee. But the reality is that the Histadrut members and leaders in those factories do everything they can to exclude the Palestinian workers from having full representation.

WT: Would you tell us about the history and the condition of the labour movement in the occupied territories.

MR: The labour movement here is undergoing a dramatic transformation. The unions in the occupied territories had been split since 1981, and in March of this year there was a reunification of the trade union movement, bringing together a broad range of trade unions into one unified federation. So that has been a very exciting move. It has made organisation possible on a level that really had not been possible in the past. Another major factor is obviously in the uprising itself which has led to a variety of things in Palestinian society. There is an increased number of collective agreements and an increased sophistication in these agreements. For example this year, for the first time, we saw a collective agreement which

barred discrimination against women workers. The unions have had to deal with problems which are unique in the situation of the occupation and the uprising. An obvious example is the curfew. If the workers are under curfew for two weeks, the employers have the right to replace them. The workers lose their pay for those two weeks. So all these issues of the way the occupation and the uprising affect workers have been addressed through negotiations between the unions and the Palestinian employers. As far as the Israeli employers are concerned, they refuse to negotiate altogether.

WT: What percentage of the Palestinian workers work in the occupied territories and what percentage go to Israel to work there?

MR: Around 50/50. The thing is that most of the workers who work in Israel do so without registering. The Israeli government says that these workers are illegal. But the Palestinian trade union movement rejects the word illegal because in fact the government policy of deducting 35% of their wages, not giving them any benefits in exchange, is in fact legal. Before the uprising about half of the workers who work in Israel did so through the Labour Office. According to official government statistics, this figure is down to about 14%. Although the number of workers who worked in Israel really has not changed dramatically during the uprising, more and more workers are refusing to work through the Labour Offices, because they don't want to pay taxes for which they receive no benefit.

WT: Could you tell us about the current living and working conditions of the Palestinian workers in the West Bank and the Gaza Strip?

MR: The living condition of the workers who work inside Israel is appalling. It is very similar to the hostels for the workers in South Africa. In Eilat, for example, you have large workers' hostels where workers sleep and are kept under armed guard at night, not permitted to walk around on the streets. In Tel Aviv, most of the workers either actually sleep in the factories or in the restaurants where they work, on the floor, or the construction site. There have been many cases where workers have died while spending the night in Israel - because they were injured at a construction site, or burned by Israeli racists while asleep. In the agricultural sector the workers spend the night in the fields. I have visited some of these fields and seen the workers, with their clothes, their food and their bedding just covered in pesticide dust, because they spray pesticides and fungicides and all other chemicals while the workers are sleeping in the fields. As far as the working conditions are concerned, Palestinian workers, like the migrant workers everywhere, take the hardest and dirtiest jobs. They have no protection from the Histadrut, and are faced with the racism of the Israeli employers and the Israeli government.

WT: They would probably be the first ones to be fired and the last ones to be hired?

MR: Of course. Even legally, the Palestinian workers for the most part are categorized as 'daily workers' which means that they do not accumulate seniority. So a Palestinian worker who has worked in a factory for 10 years would have no seniority. Whereas an Israeli worker who works in the factory for one year would have one year seniority. So even the way the law is set up, Palestinian workers do not have right to our job securities.

WT: What are the urgent demands of the Palestinian workers?

MR: On the simplest level, equality. They want to be paid the same wage for doing the same work, the same opportunity for job advancement, and benefits for which they paid with their deduction. A very interesting study by the Histadrut in 1986 showed that even in places where Palestinian workers work side by side the Jewish workers, doing the same work with the same level of job experience, their wages were 25% less than the wages of the Jewish workers. The report also said that these figures are the best possible cases in the area, because the figures come only from the factories that they were allowed to visit. So the Histadrut itself said that the situation in the factories they were not permitted to visit was probably a lot worse.

WT: What has happened since the recent events in the Middle East? We have heard that the Israeli government has raided the labour unions. ...

MR: This has been happening. This

is an ongoing problem. The unions have been raided historically by the military. Usually when the eyes of the world are turned elsewhere, the Israeli security forces crack down.

In the case of the recent raid in Ramallah, I visited the office about an hour after it had been raided. It literally looked as though someone had stuck a giant vacuum cleaner in the window and sucked everything out of the office. There wasn't a single thing on the wall; no files were left in the office; there was nothing in the drawers, the office had been completely emptied.

WT: And obviously the information about the members will be used against those Palestinian workers. ...

MR: This is exactly the problem. The military take the membership lists and round up all the people whose names were on the lists. So it is used as a way of harassing the union members. Another effect of the recent events in the Middle east has been that the workers have been forced out of a lot of the Gulf states. The Qatar government announced yesterday that they were expelling all Palestinian workers in Qatar. Other Palestinian workers were fired from their jobs in Saudi Arabia. And other countries have retaliated out of anger for the PLO support of the Iraqis.

One of the obvious impacts is that the number of unemployed workers will go up because of the large number of workers returning from the Gulf. Also a lot of people who are heavily reliant on family members working in the Gulf will face great financial difficulties. □

Issued monthly
in Persian, with
a supplementary
English section.

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Sweden	SKr12
Denmark	DKr13
Germany	DM3
Britain	£1.2
France	FF12
USA	US\$1.5
Canada	C\$2
Other non-European	US\$2

Page 12, Vol. 1, No. 7, November 1990

صفحه ۱۲، سال اول، شماره ۷، آبان ۱۳۶۹

IN BRIEF

FRANCE

Sailors belonging to CGT trade union disrupted movement of a military convoy to the Persian Gulf in the port of Toulon. The sailors were protesting France's military involvement in the Gulf, in particular the use of nine civilian ships and their crew for this purpose. The disruption, lasting for several hours, ended after the intervention of a regional CGT officer.

SPAIN

30,000 Spanish truck drivers lifted their four-day blockade of ports after government agreed to negotiate. The strike began over a 24 per cent rise in the price of diesel fuel. Dozens of picketers were arrested and about 400 were fined \$1,100 each and their licenses were taken away. The drivers have warned to resume strike if negotiations fail.

SWEDEN

150 workers of SKF ball-bearing plant in Gothenburg are to be laid off as the company has decided to transfer production to Italy.

CANADA

13,000 Ford auto workers ended their 8-day strike after the signing of a 3-year contract between Ford Motor and the Canadian Auto Workers union. The contract includes phased pay rises of 7.5% in the first year, 6.7% in the second, and 7.5% in the third.

TURKEY

800,000 private sector workers in Turkey have threatened to strike for 500 per cent wage increases. The leader of the trade unions federation announced that if negotiations fail, strike will be inevitable.

BRITAIN

Channel tunnel contractors are to be prosecuted by the Health and Safety Executive over the death of a worker during construction work. So far seven workers have been killed on the English side of the tunnel.

Solidarity with Iranian workers grows

Trade unions in Britain, Austria and Finland condemn repression against labour movement in Iran

Unions condemn execution of labour activists

WT News Service:

A number of trade unions and organisations in Austria and Finland have issued statements to protest the execution of labour activists in Iran, among them Jamal Cheragh-Vaissy who was arrested and brutally executed after speaking at a May Day rally in 1989, reports the Communist Party of Iran.

In a press release and a letter addressed to the Iranian ambassador in Vienna, the Austrian trade union federation (OGB) condemns the execution of labour activists in Iran and calls for strike and organisation right for Iranian workers.

Two other labour organisations in Austria, Labour Unity (GE) and Left Labour Bloc (GLB), have also issued statements to protest the executions. In its letter to the Austrian Foreign Ministry, GLB calls for the breaking of diplomatic and economic ties with Iran.

In Finland the branch of the trade

union federation (SAK) in the city of Hameenlinna and the local Construction Workers Union and the metal workers union sent strongly worded letters to the Iranian embassy in Helsinki to protest the executions. □



First cross-union workers' council in Europe

WT News Service:

As a first example of its kind, unions in the Volkswagen industrial group in Germany, Spain and Belgium have formed a joint council to coordinate their activities in Europe, writes *El Pais* published in Madrid.

The newly formed council has 17 members and represents the 200,000 workers of SEAT, Volkswagen and Audi. The bulk of VW production in Europe is concentrated in these three countries.

Miguel Villanueva of the UGT union and secretary of the council,

said that the council could not negotiate collective agreements for the whole VW group, but would issue basic guidelines. He added that no date had been fixed for the equalization of wage and condition levels across the three countries, but the council would try to minimize the differences.

The Spanish workers of SEAT are paid only about 70% of the wages of their fellow workers in West Germany, despite working 200 extra hours annually.

Because of the cheaper labour in Spain, VW has decided to switch production from West Germany. The German unions have opposed these moves on various occasions.

Jose Berrio, general secretary of the UGT Metal Workers Federation in Catalonia believes that a European labour council would coordinate the interests of the workers and serve as a starting point for setting up similar councils in other multinational enterprises.

From the CCOO union, Cesar Vallejo remarked that this initiative would fill the gap of a disgraceful legislative shortcoming in Europe. □

No to Islamic Republic Labour Law!

WT News Service:

The draft of the labour law in Iran is now going through its final stages of ratification. The official press reports that so far 2/3 of the clauses of the bill have been approved.

In the meantime opposition has grown by various labour organisations against this draft for its blatant violation of workers' rights.

According to a report by the Communist Party of Iran, a number of British unions and several other organisations have expressed their condemnation of the draft. The list includes:

- * Peter Heathfield, National Union of Mineworkers
- * Jacob Eccelstone, National Union of Journalists
- * P. Thomason, Civil & Public Services Association
- * Steward Barber, London Regional

Officer, National Union of Public Employees

* National Justice for Mineworkers
* Commission for Filipino Migrant Workers
* South Camden Women's Centre.

Also *T&G Record*, newspaper of the Transport and General Workers Union in Britain, reports in its September issue about the latest draft of the labour law and its restriction of workers' rights: "This draft does not recognise the right to organisation, ... [nor] the right to strike ... the Labour Law has become a battleground between the Islamic Republic and the working class movement in Iran."

The Quick Reader, published in Los Angeles, in a special issue calls on labour organisations in the US to protest against Islamic Republic Labour Law. □

Why should our children pay because we are workers?

Workers of electronics firm speak about conditions

Together with its subsidiaries, Pars Electric is the largest producer of radio and television sets in Iran. It employs around 3,000 workers, a third of whom are women. The following report appeared in the official weekly *Kar-o-Kargar*, published in Tehran, which we here publish in an abridged form.

A woman worker: A working couple today can't pay their rents, even though they both work. Our children are victims of the fact that we have become industrial workers. Let the President have all our wage packet, can he pay the rent with that?

The pressure of production is on the workers, but we don't have the slightest welfare. Most of the facilities are enjoyed by the capitalists.

Those of us working in the production section suffer from back and neck injuries. We have many times asked to be transferred to other sections, but nothing has been done.

This section is very noisy and the air is polluted. We need to drink one bottle of milk a day to offset the effects of inhaling these fumes.

Another problem is the insurance system which is practically useless. Wages due us for the sickness leave should be paid without delays.

A woman worker: Those of us attending classes should be able to do

so without cuts in our wages. The firm should provide facilities for this purpose.

There are nursery facilities in the factory. But they are inadequate. The nursery building should be taken off the factory premises so that children wouldn't have to be locked up all day. There is also need for a doctor in the factory to take care of the children.

A woman worker: This firm has over 1,000 women workers. But they have no representatives in the Cooperatives or the Islamic Councils. I stood as candidate in the Islamic Council elections, but I was asked to withdraw. I don't know why!

The manager: We try to create good relations between the management and the Islamic Council and Islamic Society. The Islamic Society campaigns for Islamic culture and propaganda in the factory. Many circulars have been issued against the non-observance of Islamic laws on covering the body. The administration has considered penalties and rewards in this connection. We suggest that the problems facing the workers be voiced through the Islamic Councils. As the law says, the Islamic Councils are the management's right hand in production and other issues affecting the plant. □

Palestinian workers want equal rights

Marty Rosenbluth, labour activist in Jerusalem, talks to Worker Today

Marty Rosenbluth, of the Centre for Trade Union Rights in Jerusalem talked to Ali Javadi, *Worker Today* co-worker in the US, about the situation of the Palestinian workers in the West Bank and the Gaza Strip. Excerpts:

WT: Could you tell us about the Centre for Trade Union Rights and the kind of work you do there?

MR: The Center is a Jerusalem-based organisation that was set up by trade unionists, lawyers and other human-rights activists, in order to try to address the cause of workers' rights in the occupied territories.

The Center itself is fairly new. We are just beginning to get our prog-

ramme off the ground. What we're trying to do is to provide concrete services to workers. This includes legal aid and legal advice, trade union education and labour rights, health and safety training, as well as trying to document the on-going violations of workers' rights in the occupied territories. Because the Center is new, we have difficulties in gaining funding. The trade unions in the occupied territories are really harassed every day.

WT: What is your relationship with the labour unions in the Gaza Strip and the West Bank, and with the Histadrut?

MR: We obviously work very closely

with the Palestinians in the occupied territories. The Histadrut [the General Federation of Workers in Israel] historically has shown a racist attitude towards the Palestinian workers.

WT: Can the Palestinian workers become members of the Histadrut? If they can, what are their rights and legal status?

MR: Under Israeli law, all Palestinian workers who work in Israel have to register through the Labour Offices. Those who do so must pay a tax every month to the Histadrut - what is called the Representation Tax. But although they pay this Representation tax, which is the same thing as

Continued on Page 11

We should not be satisfied even with a 40-hour week! Before 1980-81 there was very little talk of May Day. Now it is on everyone's lips.

Interview with Majed Ebrahimi about the labour movement in Iranian Kurdistan

p.11

Social Democrats cannot live up to being a workers' party
Ake Wiklund from Arbetarlistan party in Sweden talks to Worker Today

p.10